

مردم ایران دیپلوماسی مخفی برای احیای سنتور امحکوم می کنند



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۷۶
دوشنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ روال

برگ جدید (... غربی) کارنامه صادق قطب زاده

□ صادق قطب زاده از قول سفیر جمهوری اسلامی ایران هم خبر جعل میکند

بر کارنامه مبارزات «نه شرقی...» صادق قطب زاده هرروزه برگ «... غربی» جدیدی افزوده می شود. قطب زاده که روز ۱۴ تیر ماه ضمن اطلاعیه ای مدعی می شود که برای «مسلم شده» که توطئه های عظیم برای اشغال سفارتخانه های ایران در خارج وجود دارد، «۱۴ تیر - روزنامه ها» برای آنکه پیروزی بزرگ دیگری در جهت اجرای سیاست «نه شرقی...» کسب کند، اعلام می دارد که: «... در ساعت ۴ بعد از ظهر امروز سفیر جمهوری اسلامی در شوروی تلفنی اطلاع داد که عده کثیری در جلوی سر کنسولگری ایران دریا کوی جمع کرده و قصد آتش زدن سر کنسولگری ایران را دارند و متذکر شد که این عده مجبور به مواد آتشزا هستند...» (۱۳ تیر - روزنامه ها)

بعضی ها که صادق قطب زاده و ابتکارات او را نمی شناسند این حرف را باور کردند، آخر دروغ که به این بزرگی نمی شود! آنهم از جانب وزیر از قول سفیر... اما تکیه نامه دکتر مکرری سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی نشان می دهد که وزیر خارج کونونی باز خبر جعل کرده، اگر در قتل از قول رئیس جمهور پاناما بود، این بار از قول سفیر خود جمهوری اسلامی است و اگر باز هم خدمات ایشان ادامه یابد، آقای قطب زاده میتواند دروغ از این بزرگتر هم بگوید. «... دکتر مکرری در یک مصاحبه تلفنی گفت وی شخصا به همراه یک گروه چندصد نفری ایرانیان از میان خیابان های باکو به مسجد اصلی این شهر رفته اند. مکرری گفت آن ها شعار الله اکبر و خمینی رهبر می دادند و سپس در مسجد مراسم نماز شب برگزار کردند... وی موضوع را به عنوان یک مسئله داخلی توصیف کرد و گفت اوضاع در سر کنسولگری ایران آرام است. وی گزارش تهران مبنی بر اجتماع مردم خشمگین در خارج کنسولگری و به آتش کشیدن آن را تکذیب کرد...» (۱۵ تیر - آزادگان)

یعنی اولاً صادق قطب زاده دروغ می گویند، ثانیاً طبق معمول آنچه را که با سیاست «نه شرقی...» وی منطبق نیست هارک شرقی می زند، تا گام دیگری در جهت «نتی ابر قدرت ها!» بردارد.

بعلاوه صادق قطب زاده برای اجرای پیگیرانه سیاست «نه شرقی...» اخیراً عراق راهم کنسولی مستقل دانسته است که بدون مشورت با غرب علیه جمهوری اسلامی ایران وارد عمل می شود! به نظر می رسد کمتر کسی در جهت اجرای مکررانه! سیاست «نه شرقی...» تا این اندازه پیروزی های بزرگ! کسب کرده باشد.

قبیح است که وزیر امور خارجه کشور انقلابی ما - جمهوری اسلامی ایران - چنین سبک وزن رفتار کند و برای پیش برد منویات خویش و نظریات ویژه ای که نه با قانون اساسی ما میخواند و نه با اهداف انقلاب، حتی از جعل خبر آنهم از قول سفیر ایران، ابائی نداشته باشد.

دادهای درجابه ای که پس از آن بین اعضای این پیمان (ایران، ترکیه، پاکستان) و ایالات متحده آمریکا منعقد گشت مبتنی بر همکاری در مبارزه با تجاوز مستقیم یا غیر مستقیم کمونیستی بود.

باید توجه داشت که امپریالیست ها و شرکایشان در منطقه در تجاوز «کمونیسم» هرگونه جنبش رهایی بخش ملی را که منافشان را مورد تهدید قرار دهد در نظر داشتند. برای آنها جنبش اسلامی تحت رهبری امام خمینی هم کمونیستی است، انقلاب ایران این قراردادها و آن پیمان را که حافظ منافع امپریالیسم و وثیقه وابستگی ایران بود از هم درید یعنی آشکارا، اصولی را که پایه این قرارداد بود نفی کرد. پیمان سنتور که برخلاف منافع مردم ایران بسته شده بود بدست خود مردم دفن شد.

پیمان سنتور، مانند هر قرارداد دیگری که در آن منافع عینی خلقها منکس نشده باشد و بهین دلیل نیز خلقها در پشت آن نیایستند، پایه محکم نداشت و از همان ابتدا معلوم بود که ارزش واقعی ندارد. سنتی پیمان پیمان بقیه در صفحه ۲

تلاش برخی از محافل مسئول ایران و در رأس آنها آقای قطب زاده وزیر امور خارجه برای احیای روح پیمان سنتور می تواند عواقب بسیار ناگواری برای کشور ما و انقلاب ما داشته باشد. اصول، مبانی و محتوای پیمان سنتور با اصول، مبانی و محتوای انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ما تضاد درونی داشته و بهین دلیل نیز همزمان با اوچگیری جنبش انقلابی چون کاغذ پاره ای بی ارزش ازهم ندیده و بی پایه دان تاریخ افکنده شد.

از این دیدگاه تلاش برای احیای پیمان سنتور، (فرقی نمی کند که محتوای پیمان سنتور روی کاغذ بیاید یا نیاید و با دیپلوماسی مخفی اجرا گردد) یک عمل عمیقاً ضد انقلابی است.

پیمان سنتور بر اصل وحدت منافع رژیمهای وابسته و ضد ملی ایران و ترکیه و پاکستان یا کشورهای امپریالیستی (آمریکا و انگلستان) و در واقع تبعیت سه کشور منطقه از دو قدرت امپریالیستی برای حفظ و حراست از منافع امپریالیست ها در منطقه بنا شده بود. پیمان سنتور و قرار-

مسئله مهم تر کیه اخلاقی را به چگونگی حجاب زنان محدود نکنیم!

این نخستین بار نیست که امپریالیسم پس کردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن از این شیوه عمل علیه ایران و انقلاب آن بهره گیری میکند. مدتهاست که رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی لزوم پاکسازی ادارات و دستگاههای دولتی از پیمانده های سواک و عناصر ضد انقلابی را تذکر داده بودند. کمیونتهای پاکسازی هم تشکیل شد. ولی نتیجه کار آنها را دیدیم که چگونه قلب حساس رهبر انقلاب را پدید آورد تا پایام اخیر خود «انقلابی را در انقلاب» پی ریزی کند. آیا این نتیجه لیبرالیسم دولت بازداران سیاست «کام کما» او نبود که بوسیله عمال امپریالیسم آمریکا نظیر امیر انظلماء، مرافقه ای ها، نرینه ها... تقویت و پیاپی میشد؟

چنین بود مسئله انقلاب فرهنگی که دیدیم در عمل چگونه کار بدرگیری خونین در محیط دانشگاه کشانده شد. و آیا این در بقیه در صفحه ۲

یکی از شیوه های عمل امپریالیسم و ضد انقلاب پرورده اش علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن همانا دامن زدن به احساسات افراطی و تمایلات انحرافی چهره امور سیاسی، چه در مسأله اجتماعی و اقتصادی، چه در دشواری فرهنگی، چه در مسائل اخلاقی و عقیدتی است.

روادارانی پیشین ها، اندیشه ها، تمایلات و احساسات مختلف در جریان حل مسائل مبرم و مشکلات مهم اجتماعی، بویژه در دوران انقلاب بزرگ اجتماعی که نوسازی بنیادی سراسر جامعه در دستور روز قرار میگیرد، البته امریست طبیعی، اما همینجاست که دشمن قنار و توانگر با همه وسائل و امکانات گسترده اش مداخله میکند تا جریان طبیعی را از مسیر عادی خود منحرف سازد، به بیراهه کشاند و مانع از حصول نتیجه مثبت و سازنده به نفع انقلاب شود. یکی از نمونه های بارز این شیوه عمل امپریالیسم و ضد انقلاب در این روزها در مسئله پوشش اسلامی ملاحظه میکنیم.

در صفحات بعد

دو تاکتیک ضد انقلاب در انقلاب ایران
صفحات ۳ و ۶

۲ صفحه ویژه دهقانان گیلان
صفحات ۴ و ۵

چرا هنوز نسند بگها و شوراهای شایب اند
مسائل کارگری - صفحه ۶

آقای قطب زاده! تظاهرات نیم میلیون پاکستانی علیه رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق هم بنظر شما کار حزب توده ایران است

جمهوری اسلامی

پلیس تظاهرات شیعیان را شدیداً کنترل می کند

تظاهرات کنندگان بسیاری از روحانیون مبارز اصل تسنن از تظاهرات پشتیبانی کردند

یکشنبه ۱۵ تیرماه ۱۳۵۹ - شماره ۳۱۶ - سال دوم - شماره ۲ روال

در دومین روز اجتماع بر علیه حکومت ضیاء الحق نیم میلیون پاکستانی در تظاهرات شرکت کردند

کردن چه خیابان کوشش نمود از گسترش تظاهرات و راه پیمایی در سطح شهر جلوگیری بعمل آورد. پلیس سامعی بعد به تظاهر کنندگان که فریاد میزدند «مرک بر آمریکا» حمله کرد. در نتیجه یک نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند.

بموازات این تظاهرات وکلای دادگستری که به رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق محترس هستند اعلام اعتصاب نموده، این روز را روز «سیاه» نامیدند و به سفرف تظاهر کنندگان پیوستند. حقوق دانان پاکستان به احکام صادره از جانب ضیاء الحق در مورد محدود کردن حقوق و اختیارات محاکم غیر نظامی و تقویت و گسترش دادگاه های نظامی شدیداً اعتراض می کنند.

محسن تقوی یکی از رهبران تظاهر کنندگان گفت «این دیکتاتور

روز جمعه ۱۳ تیرماه حدود ۲۰۰ هزار نفر مسلمان شیعه پاکستانی به نشانه اعتراض علیه رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق در خیابان های اسلام آباد دست به تظاهرات زدند و مدرسین کشور تعداد تظاهر کنندگان به نیم میلیون رسید.

این تظاهرات گسترده مردم پاکستان که به رغم قانون منع برگزاری اجتماعات صورت گرفت دست در سومین سارواری آغاز شد که ضیاء الحق بدستور اربابان امریکایی خود بایک کودتای نظامی دولت قانونی ذواتنقار علی پولو راستگون کرد.

تظاهر کنندگان فریاد میزدند «ما حاضریم جان خود را فدایم تا سیاستهای دولت ضیاء الحق را تغییر دهیم».

پس از چند لحظه پلیس مسلح پاکستان وارد صحنه شد و با مسدود

این اعلامیه دیروز انتشار یافته است:

اعلامیه تشکیلات همکراتیک زنان ایران

انقلاب ایران امروز بیش از هر زمانی به هم آهنگی و اتفاق مردم نیازمند است. امام خمینی رهبر انقلاب، باز رو به مردم کرده اند و خواسته اند که در محو آثار خانان بر انداز رژیم گذشته دست در دست بکنند بگذارند. بدینخته، به پاسخ این پیام امام، مسأله «پوشش زن»، در مرحله نخست قرار گرفت است و محیطی مشخص به این مناسبت بوجود آمده است. پارها و پارها گفته ایم که عفت و شخصیت زن هرگز وابسته به چارقد و روسری نبوده و نیست. عفت و شخصیت زن، هر دو به تعلیم و تربیت صحیح او وابسته به کار و عمل او در صحنه زندگی و اجتماع و خانواده است و زن ایران، در طی دو سال اخیر ثابت کرده اند و نشان دادند که با شخصیت و با گذشت و مبارز و آگاه هستند و توانسته اند به هم خود انقلاب را به ثمر برسانند و در بقیه در صفحه ۲

حقوق ما را زیر پا گذاشته و تصمیم داریم حقوق خود را با یل و پیکریم حتی اگر لازم باشد از جان خود بگذریم.» محمود اسماعیل یکی دیگر از رهبران تظاهر کنندگان اظهار داشت مدبر برگزاری این تظاهرات مخالفت با این رژیم «رسوا و متزوی» است.

ماهیت رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق هم بالکی شاه مخلوع بر تمام نیروهای مترقی جهان و از آنجمله نیروهای انقلابی ایران کاملاً روشن است. در جریان کار اجلاس های کنفرانس کشورهای اسلامی که طبق رهنمودهای کارتر رئیس جمهور آمریکا و به ابتکار رژیمهای دست نشانده آمریکا در منطقه از قبیل رژیم ضیاء الحق در اسلام آباد برگزار گردید، کارنامه سیاه رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق و وابستگی های این رژیم ضد خلقی به امپریالیسم آمریکا بطور گسترده ای در مطبوعات ایران بازتاب یافت و اکثریت سازمانهای سیاسی و نیروهای واقع بین کشور که سادفانه از انقلاب ایران در برابر ترچه های امپریالیسم آمریکادفاع می کنند، ضمن انشای حمایت واهداف واقعی کنفرانس های اسلامی در اسلام آباد، شرکت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در این جلسات را بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

مردم ایران دیپلوماسی مخفی...

بقیه از صفحه ۱

سنتی از آنجا سرچشمه میگرفت که طبقات حاکم ایران و در رأس آنها شاهخان و امیرالیهای انگلیسی و آمریکایی میخواستند ضداً آشتی‌ناپذیر میان منافع امپریالیسم و منافع ملی ایران را بنام مبارزه برسدکومیسیم (در حقیقت مبارزه بر ضد اتحاد شوروی) روی کاغذ با هم آشتی دهند. البته بین سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ ایران که رژیم شاه مستحکمی آنان بود و امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی که متکی و سازماندهنده پیمان سنتو بودند اشتراک منافع وجود داشت، اما البته آنها بیچوجه، نه با زور نه با تبلیغات دروغ نمی‌توانستند این منافع را بجای منافع ملی مردم ایران جا بزنند.

شاه مخلوع در کتابی که بنام او چاپ شده زیر عنوان: «پاسخ به تاریخ» می‌نویسد: «هنگامیکه پس از انعقاد پیمان سنتو در مسکو، یا خروستوف ملاقات کردم او بین گفت که این پیمان چون حجاب صابون خواهد ترکیب و من پس از بیست و پنجسال بدستی گفته او بی بردم».

اینکه در آیین ۲۵ سال بدلیل عضویت در این پیمان چنانیکه که بر سر خلق ایران آمد و وابستگی به عراده امپریالیسم در سیاست خارجی، و درونچه‌مصلحتی برای مین با شد، شماره ناراحت نمیکند، او ناله میزند که چرا پیمان سنتو نتوانست است تاج و تخت او را در برابر انقلاب ایران که آنرا «یک تپاز غیر مستقیم کومنیستی» نامند نجات دهد. زیرا تا پیش از عضویت در پیمان سنتو به بهانه «خطر کومنیسم» در تمام قلمروهای اقتصادی، نظامی و سیاسی بر ایران وارد کرده است، اکنون که انقلاب قتل از زبان امپریالیسم برداشته، بر هیچکس پوشیده نمانده است و ما نمیخواهیم در این بحث که با عقاید ما امروز دیگر از بدیهیات زندگی سیاسی ایران شده است وارد شویم. برای ما وزارت امور خارجه چیزی است که چگونه پس از پیروزی انقلاب و زوال امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با یک تحلیل ذهنی گریزناک و بی‌اساس اما امیدواریم چنین باشد نه چیز دیگری می‌خواهد با دیپلوماسی مخفی همان اشتباهات گذشته را تکرار کند.

«تحلیلی» که وزارت امور خارجه ایران (طبق اسناد موجود) از وضع ایران و منطقه می‌دهد چنین است: ایران از سوی دو ابرقدرت و همچنین عراق و افغانستان در معرض خطر است، چون عراق به ابرقدرت آمریکا وابسته است و افغانستان به ابرقدرت شوروی منافع ایران ایجاد میکند که او را در کشور ترکیه و پاکستان که از سیاست دو ابرقدرت مستقل هستند نزدیک شود تا از انفراد در منطقه بیرون آید، تنها دولت بزرگی که می‌تواند به ایران در برابر دوا بر قدرت کمک جدی بکند چین است. بنابراین، منافع ایران الزام میکند که در سیاست خارجی خود باین سه کشور بر ضد دو ابرقدرت نزدیک شود. بدشواری باور کردنی است ولی اینست تحلیل وزارت امور خارجه ایران از وضع ایران و منطقه. این تحلیل سراپا مخدوش و میوب که بوسیله «صاحب‌منصبان» عالی‌رتبه وزارت امور خارجه، وزارتخانه‌ای

که بگفته آیت‌الله منتظری سنکر «آدمهای عوضی» است، انجام گرفته دقیقاً در جهت حفظ منافع امپریالیسم و ضد انقلاب است، زیرا جز جابجا کردن چند کلمه عیناً همان سیاستی است که پایه پیمان سنتو بود. منتشی این بار آقای قطب‌زاده می‌خواهند سنتو را بدون قرارداد رسمی و علنی، با مذاکرات و توافقهای پنهانی، احیا کنند و بجای آمریکا و انگلستان که دیگر در شرایط کنونی ایران نقاب از چهره کریمشان افتاده است چین را بعنوان نم‌البدل بجای آنان بنشانند. اگر چه هر دو کشور امپریالیستی غرب در این «اجیاع» حضور فعال دارند از جمله بخاطر شرکت ترکیه در پیمان ناتو و وابستگی آشکار ضیاءالحق. اگر اجزای این تجزیه و تحلیل را بشکافیم می‌بینیم که طراحان سیاست خارجی ایران عالملاً عسماً چشم را بسود امپریالیسم غرب بر واقعیت جهان امروز بسته‌اند.

نخست در مورد خطری که ایران را تهدید می‌کند، باید دانست که رژیم کنونی ایران چه نفع و چه ضرری برای او «ابر قدرت» (مصرف از ماهیت اجتماعی و سیاسی هر یک از آنان) داشته است که بخوانند برای بدست آوردن این نفع و جلوگیری از آن ضرر دست به تهدید ایران بزنند. همه میدانند که انقلاب ایران یکی از سرسخت‌ترین دشمنان اتحاد شوروی و پایگاه امپریالیسم غرب - یعنی رژیم شاهنشاهی پهلوی را که مستقیماً و هم‌جانبه وابسته به ایالات متحده آمریکا بود از میان برداشت و در همناهیکی اتحاد شوروی ایرانی مستقل و نظامی ضداً امپریالیستی بوجود آورد. منافع اتحاد شوروی در پشتیبانی از این نظام انقلابی ضداً امپریالیستی است و به همین دلیل نیز این کشور، دولت و مردم آن صمیمانه و با تمام نیروی خود از آن دفاع میکند. بر همه روشن است که اگر پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب ایران نبود امپریالیست‌ها از کشتار میلیون‌ها ایرانی برای بازگرداندن رژیمی هوادار غرب روگردان بودند. اینرا عوامل ضداً انقلاب آشکاراً تبلیغ میکنند که بهتر است دو، سه میلیون نفر از طرفداران خینی کشته شوند تا سی و چند میلیون نفر دیگر «آزاد» زندگی کنند امپریالیست‌ها و عواملشان اگر به پیروزی خود امیدوار بودند از این کشتار ابائی نداشتند، چنانکه بارها (از جمله در شیلی و اندونزی) نشان داده‌اند، اما میدانند که مردم ایران با نبرد متحد و پی‌گیر خود و برخورد از ایمن پشتیبانی نیرومند، می‌توانند هر ماجراجویی آنان را خنثی کنند. ولی انقلاب ایران به امپریالیسم آمریکا از نظر سیاسی و نظامی و سوق‌الجیشی و دیپلماتیک ضریبات هولناک وارد ساخته و از نظر اقتصادی هم با انحصارات آمریکایی میلیاردها دلار صدمه رسانده است و در تداوم خود، باز هم نه تنها در مقیاس ایران بلکه در تمام منطقه صدمه خواهد زد. برعکس انقلاب ایران به اتحاد شوروی چه از نظر تضییع امپریالیسم که دشمن مشترک تمام خلفا و کشورهای آنجمله اتحاد شوروی است و چه از نظر روابط بین ایران و اتحاد شوروی نفع رسانده است. «هر عاقلی برخلاف منافع خویش عمل نمیکند. حداقل عقل سلیم حکم میکند که اتحاد شوروی، برخلاف منافع خود، نتواند

ایران را در معرض خطر قرار دهد. نکته دومی که در باره «تحلیل» وزارت خارجه باید گفت اینست که پاکستان و ترکیه هم‌پیمان سابق ایران در پیمان سنتو از سیاست امپریالیسم آمریکا مستقل نیستند. هر دو این کشورها مانند آمریکا شاهنشاهی یا هزاران پیوند سیاسی و نظامی و اقتصادی به امپریالیسم غسرب وابسته‌اند. ترکیه عضو پیمان ناتو است و چنانکه در همین روزها، روزنامه‌های کشور ما نوشتند حتی موافقت کرده است به امپریالیسم برای مبارزه علیه انقلاب ایران پایگاه بدهد. وابستگی ترکیه و پاکستان به امپریالیسم غرب چه به دلیل نظامی اجتماعی‌شان که عیناً مانند نظام شاهنشاهی مدافع سرمایه‌داران وابسته و زمینداران بزرگ است و چه به علت بحران شدیدی که در اقتصادشان حکم فرماید و چه به علت دست‌نشانده‌گی گروه‌های حاکم دست‌کسی از ایران شاهنشاهی ندارند.

تکیه به پاکستان و ترکیه، تکیه مستقیم به عسای شکسته خود امپریالیست‌هاست، علاوه آنان که تا گلو در گرداب فلاکت غرق‌ه‌ور هستند عملاً چه کمکی بایران می‌توانند بکنند و اگر می‌توانستند چرا هم‌پیمان عزیز خود شاهنشاهی آریامسر را نگاه نداشتند. ثالثاً، چین ابتدا و اصلاً در برابر دو «ابر قدرت» قرار نگرفته و در تمام مسائل مهم بین‌المللی دوش بدوش امپریالیسم غرب بسرگردگی آمریکا بر ضد کشورهای سوسیالیستی مبارزه میکند. بنابراین تحلیل وزارت امور خارجه ایران از ریشه مخدوش است و با واقعیت و وضع بین‌المللی تطابق ندارد. هر سیاستی که بر پایه این تحلیل نادرست اعمال شود بزیران کشور ما خواهد بود و به انقلاب ما که نیازمند روشن‌بینی و مقابله قاطع با دشمن واقعی است، ضربه می‌زند. اما درباره روابط خارجی با افغانستان، ایران می‌تواند و باید با افغانستان روابط دوستانه برقرار کند صرف نظر از اینکه حکومت آن چه باشد. اگر ما نظامی داخلی کشورها را شرط روابط دوستانه با آنها قرار دهیم در اینصورت چگونه می‌توانیم طبق گفته امام با تمام کشور-هایی که به استقلال ما احترام می‌گذارند روابط عادی دوستانه بر شالوده برابری حقوق، عدم‌مداخله و احترام متقابل داشته باشیم و تنها افغانستان را از این قاعده کلی مستثنی کنیم. آیا نفس این عمل خود پدیان معنا نیست که «آدمهای عوضی» وزارت امور خارجه ریگی به کفش‌شان دارند و میخواهند ما را به‌ساز امپریالیست‌های غرب که هدف اصلی آنان ایجاد تشنج در این منطقه است برسانند. مسئله عراق نیز از این سیاست کلی امپریالیسم جدا نیست. آمریکا می‌توانستند رژیم بعث عراق را به آلت دست خود بر ضد اهداف ایران تبدیل کنند، این، پیروزی سیاست آنانست زیرا از طریق نفاق افکنی بین ایران و عراق می‌توانند از رشد جنبش انقلابی خلفای منطقه بر ضد امپریالیسم غرب بسرگردگی آمریکا جلوگیری کنند، رفق انقلاب ایران را بگیرند و در یک جنگ فرمایشی توأم با محاسبات اقتصادی ایران را قلع کنند و ایران را به چنگ بگیرند. ایران را به زانو زدن در برابر غرب بمنظور دریافت سلاح و قطعات یدکی و اداری سازند.

در اینصورت نیز امپریالیست‌های آمریکایی و هم‌مستان اروپائی آنان به پیروزی‌های دست یافته‌اند، خوششان به عراق سلاح میدهند و به ایران نیز از طریق پاکستان (البته با چند برابر قیمت با سهم دلالی پاکستان) قطعات یدکی و غیره می‌فرستند. امپریالیست‌های آمریکایی بکلمه دوستانشان (پاکستان، چین، عراق) منطقه را به آتش میکشند تا خلفا نتوانند جیبه واحدی علیه آنان تشکیل دهند. این سیاست در دنیای عرب نتایج بزرگی داده است و اینک با استفاده از سازمانهای جاسوسی و صیوبیستی و سیا که در این زمینه تجربیات «گرایبائی» دارند آنرا در خاورمیانه پیاده میکنند، یکی از مهمترین اهداف سنتو ایجاد همین تفرقه بین کشورهای عرب و غیرعرب منطقه بود.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که طبق قانون اساسی آن باید در جهت تجمیع تمام خلفای جهان بر ضد امپریالیسم غارتگر باشد توسط گردانندگان وزارت امور خارجه از سمت اصلی خود منحرف شده و سمت مبارزه با «خطر کومنیسم» را که تنها نیک برده استار برای تفرقه سیاست‌هواداری از غرب است در پیش گرفته‌اند. تلاش برای احیای روح سنتو بعنوان مبارزه با خطر کومنیسم، سیاست آریامسر است که انقلاب خونین ایران را دادن دهها هزار شهید و صدها هزار زخمی و معلول آنرا بقبرستان تاریخ فرستاد.

آقای قطب‌زاده و همکارانشان در وزارت امور خارجه بیهوده برای زنده کردن این مرده متعفن میکوشند، مرده را نمیتوان زنده کرد. بعقیده ما پاکستانی در وزارت امور خارجه، چنانکه آیت‌الله منتظری نیز اشاره کرده‌اند از اهم وظایف دولت در مرحله کنونی است. باید گروهی از صاحب‌نظران متعدد و مبارز که به اهداف اصلی انقلاب ایران و به اصول سیاست بین‌المللی و منطقه آشنا باشند در هیئت پاکستانی وزارت امور خارجه عضویت یابند، دسیسه‌گران را از روی پیرونده‌های مهم و طرز عمل و سیاست آنها کشف کنند و یکبار برای همیشه به سیاست طاغوت در وزارت امور خارجه ایران پایان دهند.

وزارت امور خارجه ایران نباید جای کسانی باشد که میخواهند با اقداماتیکه مغایر با منافع حیاتی ایران است، موفقیت و مقام شخصی خود را که بتزلزل است مستحکم نمایند و خود را قربان مبارزه با «کومنیسم» نشان دهند. سرخوش کشوری را نمیتوان با زیجه دست افراد سبک‌وزن، جاهل‌پرست و خودخواه قرار داد. سیاست خارجی ایران باید در مجرای سیر کند که خلق ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده‌اند نه اینکه تابع «سوسپی» ذهن‌گرایانه «آدمهای عوضی» و جاهل‌طلبان باشد. از این سمت آنچه حسادت است اینست که شیوه دیپلوماسی مخفی و قبول تصد طبق قراردادها و مذاکرات محرمانه با اصول انقلاب ایران و قانون اساسی آن مغایرت دارد، مردم باید بدانند که وزیر امور خارجه، کشورشان را در دستان امپریالیست‌های مغرض و سوارزده از دست‌های امپریالیسم و عناصر ضداً انقلابی از حرا و بهر نام که باشند جلوه‌گری کنند، و در راه اجرای دست این رهنمود اصولی و بنیادی رهبر انقلاب نهایت کوشش را بنمایند.

دیکتاتوریت که امپریالیسم آمریکا بوسیله مهره خود اویسی‌پاکستانی زرنال ضیاءالحق بر مردم پاکستان تحمیل کرده است، رژیمی که از نزدیکترین یاران رژیم شاه مخلوع در منطقه بوده رژیم که هم‌پیمان سنتو ایران، بود و رژیم که اکنون پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و سرنگونی رژیم شاه مخلوع، داوطلبانه آماده است وظایف و مأموریت‌های شاه مخلوع را در حفظ و حراست مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه متقبل شود. بهتر بود که آقای قطب زاده برای توجیه سیاست‌های خود و همکاری های نزدیک با رژیم ضیاءالحق که ابتدا با اهداف انقلاب بزرگ ماویا حیثیت جمهوری اسلامی ایران سازگار نیست کوشش برجا بعمل نیارود زیرا این سیاست همکاری را با هیچ دلیل بظاهر قانع کننده‌ای نمیتوان موجه قلمداد کرد. هرکس باین صراحت و قاطعیت از رژیم ضیاءالحق دفاع کند در مقام تیره این رژیم «سروا و منزوی» برآید دیر یا زود - ولی مسلماً - خودمنزوی و رسوا خواهد شد. ولی آنچه در این میان خطرناک است لطمه عظیمی است که چنین سیاستی به جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی وارد نموده می‌زند. برای مردم مبارز پاکستان - مانند مردم آگاه مبارز ایران - قابل درد نیست که رئیس دیپلماسی کشور انقلابی و ضداً امپریالیستی مانند جمهوری اسلامی ایران دست در دست ضیاءالحق امریکائی دیکتاتور نهاد، آقای وزیر خارجه هیچ ادعای «پیروزی بزرگ» و «مذاکره تلفنی» و «کار کلان» «پایست» نخواهد توانست پاسخ این نیم-میلیون پاکستانی را که فردا می‌بایرنها خواهد شد بدهد.

مسئله مهم تزکیه اخلاقی را...

بقیه از صفحه ۱

نتیجه دامن‌زدن به تعاملات انحرافی و احساسات افراطی از جانب عمال امپریالیسم آمریکا نبود!

رهبر انقلاب در دیدار خود با نمایندگان آموزش و پرورش لزوم پاکسازی این محیط رو برون نقد تزکیه اخلاقی بر جنبه‌های دیگر تعلیم و تربیت را متذکر شدند. و اکنون می‌بینیم که مطلق کردن یکی از ابعاد این مسئله مهم و در جنبه‌های اجتماعی تسلط میشود تا با غائله‌سازی، ایجاد جو تیره و درگیری لااقل از حل صحیح مسئله و تحصیل نتیجه معقول جلوگیری شود. آیا تزکیه اخلاقی فقط به‌چامه‌نوران ایران مربوط میشود. به‌تذاتی که در اکثریت مطلق خود نقش بسیار مؤثری در پیشبرد انقلاب شکوهمند ایران داشته‌اند؛ و آیا آن بخش از تزکیه اخلاقی که بزنان مربوط میشود تنها به‌پوشش اسلامی محدود میگردد؟

کیست که نداند که دوران طاغوت دست‌نشانده امپریالیسم موازین اخلاقی جامعه‌ما به تباهی و فساد کمانده میشد. پوشش‌مافی با اخلاق عمومی وقت همگانی یکی از مظاهر استعمارزدگی و فساد اجتماعی در جامعه زمان طاغوت شاهنشاهی بوده، در عین حال کیست

اعلامیه تشکيلات دمکراتیک زنان...

بقیه از صفحه ۱

این کار بارها مورد ستایش امام خمینی قرار گرفته‌اند. اما در باره تظاهرات عده‌ای از زنان در روز شنبه در تهران، نظر ما اینست که ارتجاع و امپریالیسم در صدد هستند که از هر چیزی برای اهداف پلید خود بهره‌برداري نمایند. مسائلی تظاهرات را به‌چوجه درست نمیدانیم و از همه زنان دعوت می‌کنیم که با مناعت و خونسردی باین مساله برخورد کنند و با رفتار خود نشان دهند که بالغ و رشید هستند و دستاویزی به دشمن که در کمین نشسته و اختلافات را دامن می‌زند، ندهند.

محیط انقلابی، زندگی امروزی توده مردم، بهرانی که کشور ما با آن دست‌بگریبان است، نه آرایش و نه زینت بخود نمی‌پسندد و زن و مرد در پوشش و رفتار باید خود هماهنگ سازند و کسی برای دیگری نمیتواند و نباید شکل لباس تعیین کند و این موضوعها به عقل سلیم زنان و مردان باید واگذار شود!

وظیفهٔ زنان آگاه و مبارز ایران، امروز، بسیار سنگین است و ما باید دیگر، باید ثابت کنیم دست‌های ضداً انقلاب را در میان آبروه مسائلی که در جلوی ما است می‌نشانیم و در برابر هیچ تهدیدی هیچ وعده‌ای از راه خود منصرف نخواهیم شد.

راه ما، راه پیروزی مردم ایران، چه زن و چه مرد است. تشکيلات دمکراتیک زنان ایران ۵۹/۴/۱۴

آقای قطب‌زاده! تظاهرات نیم میلیون پاکستانی علیه رژیم...

بقیه از صفحه ۱

مغایر با منافع جمهوری اسلامی ایران و اهداف ضد امپریالیستی انقلاب ایران از یابین نمودند.

مستأفانه هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران و شخص وزیر امور خارجه آقای قطب‌زاده فعلاً نه در این اجلاسها شرکت کردند. آقای قطب‌زاده در جریان کار این کنفرانس در مورد رویدادهای افغانستان دست در مواضع رژیم ضیاءالحق قرار گرفت تا چنانکه بنابه ابتکار ایشان کمیسیون سه جانبه‌ای مرکب از آقای قطب‌زاده، حبیب شلی و آقانشاهی عامل شناخته شده سیا آمریکا تشکیل گردید و این کمیسیون با شرکت تعدادی از نمایندگان «سازمان‌های افغانی وابسته به آمریکا» برای رسیدگی به رویدادهای افغانستان در زور جلساتی تشکیل داد. آقای قطب‌زاده که در برابر موج اعتراض از جانب همه سازمانها و رسانه‌های گروهی و مطبوعات جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته بود و همکاری‌های ایشان با رژیم ضیاءالحق برده‌ای از انهام و تردید بر روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌کشید برای توجیه چنین سیاستی در مقام دفاع و تیرنه رژیم ضیاءالحق برآمد و واقعیت دربار و وابستگی این رژیم به امپریالیسم آمریکا و ماهیت ضد خلقی و دیکتاتوری نظامی آنرا انکار نموده و آنرا «تبلیغات کومنیستی» و «توده‌های» نامید.

آقای قطب‌زاده! تظاهرات نیم میلیون پاکستانی علیه رژیم...

آقای قطب‌زاده در مساجه با صداسویسمای ایران که در آستانه مسافرت ایشان به زور انجام گرفت اظهار داشت «تعاماتی که به پاکستان زده می‌شود دقیقاً از سوی کومنیست‌های جهان است وعده‌ای مسلمان نما که در حقیقت همان کومنیست‌ها هستند که به لباس اسلام درآمده‌اند وعده‌ای از افراد مسلمان که کومنیست نیستند ولی مرعوب کومنیست‌ها هستند... چرا پاکستان نوکر آمریکاست؟ یک دلیل قانع کننده تا کنون کسی برای ایات این مسئله ندارد... این‌ها هم که کلاچنیه تبلیغاتی دارد بسیار ناچرانمردانه و پشورانه است...»

(این واژه غلط چاپی نیست. آقای وزیر خارجه کنونی آنرا بکار برده است.)

در این مساجه خبرنگار از آقای قطب‌زاده سؤال می‌کنند: زرنال ضیاءالحق در حقیقت مهره آمریکاست، این سؤال برای مردم پیش می‌آید که چطور ممکنه آقای ضیاءالحق آقای حبیب‌شلی که سرنخشان در دست آمریکاست بتوانند در راه خدمت به مستضعفین افغانستان قدم بردارند. و این حتماً توطئه است و شما چگونه خوردان و رادارین جریان سهمی می‌کنید در حاکمیت اینها کار خیرخواهانه و بینج سنت افغانستان نخواهند کرد. آقای قطب‌زاده که برای اینگونه سؤالات پاسخهای بسیار «قاطع و منطقی» دارند بلافاصله گفتند: «این حرف‌هایی که شما می‌زنید همیشه حرف‌های حزب توده‌است و حرف‌های توده‌ایها.»

آقای صادق قطب‌زاده! به‌ظاهر این باصدهزار نفری مردم پاکستان طبع رژیم دست‌نشانده ضد خلقی و دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق چه پاسخی میدهد؟ آیا این تظاهرات هم به تحریک کومنیست‌ها و نتیجه کار تبلیغاتی حزب توده ایران است؟ و این مبارزان پاکستانی هم بریخرف هستند؟

این تظاهرات مردم پاکستان بازناب و واقفیت محیط خفقان و

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تا کتیک ضد انقلاب در انقلاب ایران

«پس از اینکه انقلاب بر ضد انقلاب فائق آمد، ضد انقلاب معدوم نمی‌شود بلکه برعکس بطور ناگزیر با دیوانه‌سری بیشتری مبارزه جدیدی را آغاز مینماید.»
لنین

پیش از پانزده ماه از پیروزی قیام بهمن-گرد - در يك تكړش كلي به‌ناچار برخه شانزده ماهه انقلاب شكوهمند ايران، آنچه كه بيشتر از همه جلب نظر مي‌كند تعداد حوادث و وقايعي است كه هر از چندي، همچون ماضي بزرگ بر سر راه تكامل خلق و ضد امپرياليستي انقلاب سريلند كرده‌اند از اين نظر، انقلاب ايران در ميان انقلاب‌هاي دموكراتيك و ضد امپرياليستي معاصر نمونه‌وار است. اكثر چيني اين چنين يا ظاهرات متنوع مقاومت چنانكارانه ضد انقلاب روبرو بوده است. جنگ برادر كشي-سنتج در بهار آزادي، تروهاي گروهك فرقان، و نفلهاي مكر عناصر ضدانقلاب در دستگاه دولتي و نظامي، جنگ برادر كشي در كردستان و تركمن صحرا، وقايع خوزستان، و وقايع پندر انزلي، حملات پييمان و روزمره حجاج داران، تروهاي انقلابي، و بمباراژي‌هاي عوامل امپرياليسم، گرانفوشي و احتكار و خرابكاري در توليد بوسيله سرمايه‌داران بزرگ، توطئه‌هاي زمينداران بزرگ در روستاهای سراسر كشور و از جمله غلته فارس و در فتنه‌های اخير محسامره اقتصادي كشور ما و سرانجام حمله نظامي امپرياليسم كه هر لحظه پيم گرازان مي‌رود...

تعداد اين حوادث اتفاقي نيست. فعاليت روزافزون ضد انقلاب از يكسو پيشتار برخي ضمه‌هاي بسيار خطرناك انقلاب ايران است و از سوي ديگر تشديد كنده اين تقاطع ضعف. دامنه فعاليت ضد انقلاب ايران، و بسيار وسيعتر از ديوانه‌سري‌هاي معمول ضد انقلاب در بسياري از موارد مشابه است. اين پديده بيشك بايد دليل داشته باشد و اين دليل چيزي نيست جز ضعف، بي‌بربري، و ناكامي و نابيكري طيف تروهاي انقلابي ايران در شناخت و براندازي زمينه‌هاي حقيقي كه ضد انقلاب از آنها تشديه مي‌كند و اشتباهات سياسي‌اي كه بر ضد انقلاب پاري ميرالند.

حزب توده ايران، حزب طبقه كارگر ايران، حزبي كه حفظ، تثبيت و گسترش دستاوردهاي انقلاب خلق و ضد امپرياليستي ايران را وظيفه ميرم خوانده، به پيروي از مشي انقلابي پيگر خويش همواره خواستار قاطع‌ترين و پيگرانه‌ترين سركوم ضد انقلاب بوده است. هرآنچه برسر انقلاب يرد، تاريخ جديت و پيشكار حزب توده ايران را در شناخت صحيح چهره‌هاي گوناگون ضد انقلاب و شناساندن ديگر تروهاي انقلابي از پياد نخواهد برد. و بزوار پياد خواهد داشت كه مدد توجه كافي بخش وسيع از انقلابيون ايران، از جمله آنان كه قدرت اجرائي دارند، به هشدارهاي مكر حزب توده ايران، چه زبانه‌اي جيران نابرداري به انقلاب رسانده است.

امروز ديگر اين سخن شناخته شده است كه ضدانقلاب دو چهره «چپ» و راست دارد و بگونه‌اي هماهنگ از دوسو پيگر درمدمد انقلاب را زير ضربه گرفته است. روزگاري بود كه انقلابيون چيگرا وجود ضد انقلاب «چپ‌نما» را بساوار نداشتند يا بهر صورت به خطر فعاليت خرابكارانه آن‌ها پاي نديدانند و نيز تروهاي صادق و ضد امپرياليست مسلمان، به خطر منطبق فعاليت راستگويان افراط كه در پيروي مسلمانان متعصب، ظاهرا با هدف دفاع از خلوص اسلام، و از جمله تحت عنوان «حزب‌الله» در دوزخ و بيرون حياض حاكمه براي انحراف راستي انقلاب اعمال نشان مي‌كنند، اهميتي نالاي نوبند. امروز اين هر دو جناح انقلابيون ايران، تحت‌تأثير ازشاگرهاي تروهاي انقلابي و پيشاپيش آنها حزب توده ايران تا حدودي بر اين واقعايت واقف شده‌اند و در ميان آنان تحولات مثبتي در جهت روشنگري صحيح در مقابل اين فعاليتها، به چشم مي‌خورد. اما اين تحولات هنوز چنانكه بايد عميق نيافته‌اند و پيگرانه دنبال نميشوند. بسياري از چيگرايان هنوز با فعاليت خرابكارانه گروهكهاي چپ‌نما يا گشت و ملاطفت پيچا برخورد ميكند و عده كثيري از مسلمانان انقلابي به اقدامات ضد انقلابي راستگويان افراط با مسالمت مي‌نگرند و چه‌اشتباه بزرگ و ويراغري كه از سر تنگ‌نظري، در اين فعاليتها مناسي براي خويش جستجو مي‌كنند.

حزب توده ايران نخستين و تنها نيروي توده است كه از ابتداي استقرار نظام نوين انقلابي، صحيح‌ترين و واقع‌بينانه‌ترين تحليل‌ها و ارزيابي‌ها را از چهره‌ها و تاكتيكهاي چپ و راست ضد انقلاب ايران ارائه کرده است و طي هر حاده‌افريسي جديد، بدسوي رديهي ضد انقلاب چپ و راست و افشا کرده است. جريان واقعات، هر روز بيشتر از ديروز صحت نقشه‌نظرها و وهنمودهاي حزب طبقه كارگر ايران را در بيان باره نيز تايد كرده است. در شرايط نامل كه از يكسو فعاليت ضد انقلاب در حاسترین لحظات برخورد روبروي امپرياليسم جهاني ابعاد گسترده‌تری يافت کرده است و از سوي ديگر شناخت تروهاي انقلابي از ريشه‌ها و جوانب مختلف اين فعاليتها هنوز ناکافي و نا دور است، بيجانست كه از خطوط اصلي تحليلها و پيش‌پيش‌هاي حزب توده ايران و نيز وقايع و حوادثي كه در تايد صحت اين نظرات در اين شانزده ماهه برانقلاب گذشته است، جمعيتي نويش بمصل پياوريم. باشد تا اين جمعيتي هشدار تازه‌اي باشد به همه تروهاي انقلابي كه براي انقلاب ايران، براي اسلام انقلابي، براي جامعه واحد و يوحدي و براي سوسياليسم دل مي‌سوزانند تا با کنار نهادن تنگ‌نظريهاي انحصارطلبانه و گروه‌گرايها و آرمان‌خواهي‌هاي تنگ‌نظرانه و پاناخذ تدابير جدي وقايع، خوان‌گسترده‌اي را كه پيروي ضد انقلاب گسترده‌اند برچينند و بيش از اين به دشمنان انقلاب ايران اجازه سوه استفاده ندهند.

ضد انقلاب تفرقه افكن است

رويم ختد مردی شاه، در داخل كشور به يكساي قدرتمندترين و خوانخواه‌ترين دستگاههاي سركوم فاشيستي در تاريخ جنبش‌هاي آزاديبخش جهان و در صحنه جهاني به پشتيباني بزرگ‌ترين قدرت امپرياليستي تاريخ منكي بسود.

انقلاب شكوهمند ايران در اندك زماني اين ماشينر عظيم اهريني ظلم و فساد را زم پايشيد. بزرگ‌ترين قدرت امپرياليستي تاريخ در برابر عظمت و استحکام اين انقلاب از يكساي از مهمترين پايشگاههاي خويش عقب نشست و در كمين هجوم دوباره براي بدست آوردن مواضع از دست رفته به روزشماري و توطئه‌چيني پرداخت. شك نيست كه رمز اين قدرتمندي و اين پيروزي شكست آفرين اتحاد همه تروهاي انقلابي ايران زير چتر رهبري قاطع امام خميني بود.

امپرياليسم جهاني به سرگردگي امپرياليسم آمريكا و محال و متحذان داخلي آن، آنان كه سنگينترين شريبه‌ها را از انقلاب ايران خورده‌اند، چه بسا بسيار بهتر از برخي تروهاي ناكامه انقلابي، روم قدرتمندي اين انقلاب را ميشناسند. آنان نيك ميدانستند و نيك ميدانند كه انقلاب ايران تنها به انگي «جبهه متحد خلق» مي‌رساند به پيروزي تقصبي و نفايي نرسد. از اينرو از همان آغاز به مجرد يازساي شبكه‌هاي ريكارتنگ تروهاي خويش، دقيقاً سترن تيك‌دارنده انقلاب ايران، اتحاد تروهاي مردم را زير ضربه گرفتند. آمادگي ضد انقلاب - امپرياليسم مزدورانش، سرمايه داران، زمينداران بزرگ - براي نشان دادن واكنش در برابر پيروزي انقلاب، از شناخت و تجرجه طوفاني آنان از مقابله با جنبش‌هاي انقلابي مايه ميگيرد. «تفرقه‌بينداز و حكومت‌كن» اين سياست عمري پانزده عمر امپرياليسم دارد.

در گفتار چنين بنظر مي‌آيد كه همه تروهاي انقلابي ضد امپرياليستي ايران اين بدبختي را ميشناسند، اما هنگامس كه پاي كردار بيمان مي‌آيد، بخش عظيمي از اين تروها، از سرخامي و بي‌تجربگي، چشم بر اين همه فرو مي‌بندند و تنها منافع فرتهاي و گروه خويش را مي‌بينند و چه بسا بسولت حاضرند كه به خاطر حفظ اين منافع، هر زمان سكر كشاري خود را سر بزنند. امپرياليسم جزيين چه مي‌خواهد؟ از اينرو جاي آنست كه باز هم تكرار كنيم، باز هم فرياد بزنيم:

تفرقه افكني سياست امپرياليسم است

تفرقه افكني متخرواي اصلي همه سياست‌ها و روشهاي ضد انقلاب است. هرگونه سياست كه بهر انگيزه تروهاي مدافع انقلاب ايران، تنها بسود حاكميت امپرياليست تمام ميشود، اگر امپرياليسم مينه ما را محاصره اقتصادي كرده است، هدفش فروپاشيدن جبهه انقلاب از دور است. اگر سرمايه‌داران بزرگ به انواع جيل كارگران و زير كارگري و كم دستمزد به سوه مي‌آورند هدفشان رويگرداندن ايسن گردان پيشاهنگ از انقلاب است. اگر زمينداران بزرگ و سخنگويان خردو كلانتان با اصلاحات ارضي در حرف و در عمل مخالفت مي‌نورزند خواهان نااميدشمن دهقانان از انقلاب هستند، اگر ضد انقلاب هر روز در گوشه‌اي از كشور آشي مي‌افروزد، هدفش سركوم كردن دولت به اين يا آن ساله فرمي و كم اهميت، فطنت حكومت از انجام اصلاحات بنيادي اجسامي و ناراضي كردن وي نفاوت كردن توده‌ها و پيرايانند آنان از گردآورد انقلاب است. هرآنكس كه آگاهانه يا ناكامانه، به لحاظ اصولي تروهاي انقلابي ايران را به مرمام وسلكي زبان برساند، به اين يان شكل به سياست تفرقه افكني امپرياليسم پاري رسانده است.

از انحصارطلبی و گروه‌گراي تنگ‌نظرانه، اين بازرگري منظره عقب‌ماندگي و جاهليت دست برداريد! به منافع انقلاب كه همانا منافع همه تروهاي اصلي، از مسلمانان انقلابي تا پيروان راستين سوسياليسم عمومي است پايستيد پياشيد. به اطرافتان نگاه كنيد، هر روز نمونه‌اي غير قابل انكار از كارگردهاي مزدوران امپرياليست افشا ميشود. ببينيد كه همه اين مزدوران در هر جگه‌اي هستند و زير رهبري چي - چي يا راست - چگونه هدف اصليشان بجان هوانداختن تروهاي انقلابي است. وينگريد كه متأسفانه چگونه كارگر بخش از تروهاي خلق و ضد امپرياليست انقلاب ماه هر روز بيشتر از پيش با كارگردهاي اينان همسو ميشود!

يكيار ديگر اشكال مده فعاليت ضد انقلاب را مرور كنيم. براي اقتاع ديروارون اين كار را ميتوان طي پرسوسي نمونه‌هاي مشخص و افشا شده مملوكدهاي محال شناخته شده امپرياليسم انجام داد.

تفرقه افكني از راست

در نخستين هفته‌ها و ماههاي پس از پيروزي قيام بهمن، ضد انقلاب جداگانه تلاش را براي اشغال مقامات حساس دولتي و ادعوي بوسيله مهربه‌هاي ناشناخته خود بكاروانداخت. بر حسب اتفاق در همان روزها، طي افشاي تصادفي يكي از ازين نفوذهاي ضد انقلاب، الكوري مليايي يكي از تاكتيكهاي دوگانه امپرياليسم در مقابله با انقلاب ايران از پرده برون‌افشان متأسفانه اين حادنه چنانكه بايد مورد توجه تروهاي انقلابي قرار گرفت و خيلي زود از خاطرها محو شد. سخن برسر تفضيه سرهنگ توكلي است.

در گزارش حيات اجرائيه به شانزدهمين يانوم كميته مركزي حزب توده ايران آمده است:

«امپرياليسم و ارتجاع ايران، كه هنوز سكرهاي محكمي را در دستگاههاي دولتي و دركارفرماندهي تروهاي مسلح و پليس و بوزره در اقتصاد كشور در دست دارند، امروز تقاب تازه برچهره زده و از دشو با جنبش خلق درآمده‌اند تا فردا خود را به منتهان بهترين دوست جا بزنند و اهرام‌هاي فرمان را در دست گيرند و رول ديگردوباره، بايك توطئه‌خائنه، جنبش را غافلگير كرده و سركوم نمايند. قاش شدن توطئه خائنه سرهنگ توكلي معاون ستاد ارتش نمونه‌اي از ايسن خطر بزرگ است.»

(مردم - شماره يك - ۶) مطبوعات گزارش دادند كه سرهنگ توكلي به كسي كه او را مامور «سيا» مي‌نمداشته است گفته است: «ما شب و

روزگار ميكنيم تا كنترول برقرار كنيم. هم‌اكتون جدا كردن مسلمانها از سايرين دشوار است. از اينرو ما ميتوانيم تيراكتاوي كنيم... ما به كموقت نيازداريم. آنوقت هرچه ضرورت داشته باشد انجام خواهيم داد. من از هروسي‌اي استفاده ميكنم! تلوزيون، راديو، مسجد، روزنامه‌ها و نوای مسلح. ما به همه محركين (اكتيورها) تيراندازي خواهيم كرد. فقط بگذارد! آنها را متلوك كنيم... ما همیشه به دوره پس از انقلاب انديشيده‌ايم، كه به ارتش، ارتشي-سوي و قسايل اعتماد نياز خواهيم داشت... ما از همه شيوه‌هاي روانشناسي در راديو و تلوزيون استفاده ميكنيم تا به مردم اين احساس را بدهيم كه اكون انقلاب به قدرت رسيده و محركين دارند آنرا تهديد ميكنند... بعد چنان كه ميدانيد ترتيب رايدهيم كه آنان را بترسانيم سازيم... اميدوارم كه منظوم ما درك كنيد!»

(به نقل از مردم شماره يك - صفحه ۸) اين سخنان سخنان كسي است كه جداگانه روشندي را در درك سياست و منافع امپرياليسم نشان مي‌دهد و مي‌خواهد ثابت كند كه صلاحيت كافي براي اجرائي اين سياست دارد. اگر به محتوای این سخنان توجه كنيم درخواهيم يافت كه هدف امپرياليسم اينست كه:

۱- استفاده از همه تربيون‌هاي تيلياني، مظهرين تلاشها را براي اتاي اين احساس به‌يوده‌ها پيش ببرد كه همانا انقلاب به پايان رسيده است. اينك قدرت در دست شماست. اينك اين تروهاي انقلابي خارج از حكومت هستند كه مانع پشتكوت كارها ميشوند. با پيشبرد اين كاروازي نكنين ضد انقلابي زمينه براي بي‌امتيار شدن و متفرد شدن تروهاي انقلابي و جاخوردن عناصر ضد انقلاب بعنوان بهترين دوستان مردم فراهم ميشود. اينك ميتوان تروهاي انقلابي را به كلوله بست.

اين الكوري مليايي، خطوط اصلي سياست تفرقه افكني از راست را مشخص مي‌كند در مروت پيشبرد دلخواه اين سياست بوسيله عمال ضد انقلاب، و پختي از تروهاي انقلابي كه حاكميت راد دست دارند، عليه آن پختي كه در حاكميت سهمي ندارند و نيز عليه منافع واقعي خودشان بسج ميشوند. وجاي مبارزه با امپرياليسم به مبارزه عليه تيك‌گاههاي انقلاب مي‌رساند. در جريان اين مبارزه انحرافي آنان خود بخود منافع توده‌ها را بدست فراموشي خواهند برد و بتدريج پايشگاهي مردم خود را از دست خواهند داد. در اين حال كارگزاران امپرياليسم فرصت كافي مي‌يابند تا خود را به عنوان بهترين دوست مردم جايزند و به نويروايت قدرت را خورده دست بگيرند و حاكميت سرمايه‌داري وابسته به امپرياليسم را در قالب يك دكتاتور مذهبيا شلمذهبي دوباره مستقر كنند.

شانزده ماضي را كه از پيروزي قيام بهمن مي‌گذرد ميتوان به دو دوره متمایز تقسيم كرد.

۱- در دوره نخست ليبرالها سهم مهمي از قدرت راد اختيار داشتند. استرازي آنان با منافع امپرياليسم هماهنگي داشت. به علاوه سازشكاري آنان بيشترين امكانات را براي نفوذ عناصر ضد انقلاب در راس مقامات حساس منلكتي تايمين ميگرد. در اين دوره بيشترين تلاش امپرياليسم صرف تقويت ليبرالها و عناصر ضد انقلابي است كه آنان در دامان خود پرورش مي‌دافتند و نيز صرف تضييف جناح خلق حاكميت به رهبري امام خميني ميشد. نقشه امپرياليست اين بود كه انقلاب را از بالا تسخير كنند و آن را در چارچوب منافع خويش و منافع سرمايه‌داري بزرگ ايران به بند بكنند. در اين دوره سياست تفرقه افكني از راست مستقيماً به هدف تسخير انقلاب از بالا خدمت ميگرد.

۲- دوره دوم، سازشكاري ليبرالها در برابر تاظمت ضد امپرياليستي امام خميني تاب تحمل نياورد. اشغال لاسه جاسوسي سرآغاز انقلاب دوم ايران شد. سيم ليبرالها در قدرت حكومتي كاهش فراوان يافت جاسوسان و دوستان امپرياليسم در مقياس وسيعي رسوا شدند. اميد امپرياليسم به تسخير انقلاب از بالا نقش بر آب شد. مساله كوششهاي دوستان امپرياليسم براي «حل مسالمت‌آميز حاكاه گروگان‌ها» به جاني نرسيد، امپرياليسم دست به عمليات مستقيم براندازي انقلاب شد.

غاله‌هاي ضد انقلابي در گوشه و گنار كشور اوج گرفتند. توطئه حزب خلق مسلمان در آذربايجان، آشوبهاي بلوچستان، آشوب در قبايق اقتصاد كشور در خوزستان، انرايش نقش ضد انقلاب در جنگين تروهاي تروهاي تروهاي تروهاي تروهاي ضد انقلاب عملا هموني جنگ برادر كشي را در دست گرفت، آشوب دانشگاهها، غاله فارس، اين توطئه‌ها مي‌بايست با تضعيف حكومت خلقی زمينه را براي براندازي آن وبوسيله مداخله مستقيم - تجاوز نظامي - يا مداخله غير مستقيم - كرداي ضد انقلابي كه هر روز شواهد بيشتر از در دستور روز قرار گرفتن آن بدست مي‌آيد - يا با تركيب از اين دو آماده كنند. در اين دوره سياست تفرقه افكني از راست مستقيماً در خدمت به آشوب كشاييدت كشور براي براندازي حكومت خلقی قرار گرفت.

متأسفانه نه در دوره نخست و نه در دوره دوم، آن بخش از تروهاي ضد امپرياليست كه حاكميت را نودست دارند و سياست تفرقه افكني از راست مي‌بايست با سوه استفاده از بي‌تجربگي و كوابه يني آنان اجراء شود، هرگز چنانكه بايد به اين توطئه امپرياليست توجه نكردند شك نيست كه منافع سياسي و طبقاتي بخش از تروهاي كه هنوز در جبهه انقلاب قرار دارند و خصالت مده‌اشان طرفداري از راه رشد سرمايه‌داري و تاويل به همكاري با امپرياليسم است، با جواب ميگند كه به اجرائي سياست تفرقه افكني از راست ياري برسانند. روي ما با اينان نيست. اين تروها بايد افشا و متفرد شوند. روي سخن ما با كسانيت كه با كمك به اجرائي اين سياست حتى به منافع سياسي و طبقاتي خويش كه همانا منافع انقلاب و اسلام انقلابيست پشت با مي‌زنند.

سخن پيرايست كه حتى اين تروها كه هميتامد امپرياليست هستند هنوز در نيافته‌اند كه اين كارگزاران امپرياليست هستند كه آنان را با تمام قوا بسوي روطه برخورد خشونت‌آميز يا تروهاي انقلابي و چپ اصلي هل ميدهند. اين امپرياليسم

است كه از آنان انحصارطلبی و فشريگري را مي‌طلبد. اين امپرياليست است كه در آژوري آنست كه آنان نامي بلند - گروهاي تيلياني را كه بايد در خدمت بسج همه تروها چپ امپرياليست باشند، به كار مي‌آيد و تير كردن گروه راسين و ديگر تروهاي انقلابي خارج از حكومت ميگيرند. علاوه بر ممرات كارگزاران امپرياليست در پياده كردن نقشه‌هاي بتفرج و بيچيده، به خاطر خامي و كوابه يني اين تروها - در گنار خامي و ناكامي پختهازي از تروهاي انقلابي خارج از حكومت - است كه امپرياليسم در دوره نخست و دوم در دوره دوم موفقيت زيادي در اجرائي سياست تفرقه افكني از راست داشته است - خوشبختانه قاطعيت ضد امپرياليستي وقايع يني انقلابي رهبري انقلابيه امام خميني، دو حاسترین نطقات اين دو دوره، همواره اجرائي كامل نقشه‌هاي امپرياليسم را ناممكن ساخته است. اگر اين عامل نبود چيسا كه فاجعه با بحال افكازي انقلاب بود.

تفرقه افكني از چپ

تاكتيك تفرقه افكني از راست، فقط هنگامس به دلخواه امپرياليسم قابل اجراء است كه در اين سوي جبهه انقلاب، در ميان تروهاي انقلابي خارج از حكومت و در ميان چپ‌ها انقلابي نمايان و چپ‌نمايان باشند كه بنام انقلاب وسوسياليسم بر عليه منافع انقلاب و سوسياليسم حمل كنند گسالي باشند كه بنام منافع تروهاي چپ دوكار انقلاب خرابكاري كنند، و براي تفرقه افكندگي از راست فستاق بيازينند و در بدترين حالات، به براندازي انقلاب برخيزند. در پاسخ به اين نياز است كه كارگزاران امپرياليست به اشكال مختلف به سازماندهي هدايت و تايد ضمن جريانهاي مي‌رزانند كه محتوای اصلی سياستشان، تفرقه افكني از چپ، و دو جبهه انقلاب است.

امپرياليسم، امروز در سطح جهاني از همكاري تروهاي پرخوردار است كه در جامه ماركيسم و بنام سوسياليسم، انجام اين وظيفه ضد انقلابي را به عهد كرده‌اند. اين نيروي متشکل، مائوليسم است كه در چهره‌ها و قالب‌هاي مختلف بصورت مختلفين، سرخشي يا دستاران هلي امپرياليست در پي از هم پاشيدن جبهه انقلاب جهانيست. امپرياليسم آمريكا، امروز در حاليكه متحد اصلي دولت ضد انقلابي چين است، با تايد ضمن گروهكهاي چپ‌نماي مائولينيستي در كشورهاي سرمايه‌داري و كشورهاي استعمارزده، با نفوذ در رهبري گروهكها و حتى متعصبان با پياد برشي از آنها، از كلكهاي خواسته و ناخواسته آنان در پيشبرد سياست ضد انقلابي خويش استفاده مي‌كند. نمونه‌هاي افشاده لسراوان امپرياليستي در سازماندهي گروهكهاي مائولينيستي در سطح جهاني در دست است.

مائولينيست‌ها در انقلاب ايران نيز از همان آغاز، به اجرائي رسالت اهريني خويش پرداختند و حزب توده ايران، بارها اين حقيقت را اعلام کرده است و همواره بر آن اصرار داشته است كه ما مليرم اين واقعيت كه برخي از قريب‌خوردان گروهكهاي مائولينيستي عناصر پاك و با حسن نيت هستند مائوليسم در هر قالب و هر چهره‌اي مايتا جرياني ضد انقلاب است كه خواه ناخواه آب به آسياب امپرياليست مي‌ريزد. چيگرايان همواره به اين اعتقاد حزب توده ايران يا نابوري نگريسته‌اند و خواستار ارائه مدارك ثبت اسنادي بوده‌اند. گروهيك پرخورداري از حداقل ترشه ثروتي انقلابي براي تميز مايتا ضد انقلابي مائوليسم كاليت، اما يكسان ما جريان حوادث اين كسي كه از اين حصاد ايشن هلي بهره مند نيستند هم، هر روز شواهد تازه‌اي در ابيات همدستي و همدستاني مائوليسم ايران با محاصل امپرياليستي بدست ميدهد. به يك مورد نمونه وار از اين شواهد اشاره مي‌كنيم.

«حزب شفق سرخ» را همه دست‌انمركاران چيني چپ ايران بيدار دارند. همه تروهاي اصلي انقلابي ميدانستند و بوق خوش اعلام کرده بودند كه اين گروهك، چرياني ساواك ساخته و سا پراخته است كه با هدف پيشبرد مقاصد امپرياليست ايجاد شده است. متأسفانه تفرقات اين گروهك فعلا در دسترس ما نيست و ما فعلا نميتوانيم بنويات «انقلابي» سازمان سپارا، عيارت به ميمارت، با نامونه‌اي گروهكهاي مائولينيستي ايران مقايسه كنيم. اما گمان نميكنيم كه آنان كه حافظه‌اي معمولي دارند فراموش كرده باشند كه:

- ۱- اين گروهك تحت عنوان ماركيسم - لنينيسم مروج اندیشه‌هاي صدمرالو بود.
- ۲- گروهك، توري سه چهره را و بوزيونيستي و خود راهوادار آلباني ميدانست. به اصطلاح مائولينيست‌هاي سرخگر، در خطموم حرکت مي‌گرد.
- ۳- حكومت انقلابي ايران از دیدگاه گروهك، حكومتي بنابا ارتجاعي و ضد انقلابي بود.
- ۴- گروهك، خواستار براندازي اين حكومت بوسيله جنگ مسلحانه بوده‌اي بود.
- ۵- اتفاقاً اصرار فراوان داشت كه اين جنگ توده‌اي مي‌بايست از كرستان آغاز شود.

چپ‌هائي كه حزب توده ايران را به «انام پراكن» عليه گروهكهاي مائولينيستي مهم مي‌كند هرگز هميقا در اطراف اين مساله نيتنديده‌اند كه چرا سازماندهي جاسوسي امپرياليستي و بقايي ساواك براي ترويج مائوليسم در ايران دست به سرمايه‌گذاري مالي و انساني ميزند؟ آيا جزيانيت كه ترويج نظريه‌يوع حمل انقلابي نمايانه مائولينيستي در جامه انقلابي ما جز بسود آنان نام نمي‌شود؟ جز اينست كه اينگونه تفرقه افكني از چپ تنها در خدمت پيشبرد سياست تفرقه افكني از راست سرهنگ توكلي قرار ميگيرد. آيا ماركيسم‌ها براي درد يك چنين بدبختي نياز به مدارك ثبت اسنادي دارند؟ الكوري مليايي «شفق سرخ» و گروهكهاي مشابه، نحرور دومين شكل مده فعاليت ضد انقلاب است كه محتوای اصلی آن تفرقه افكني از چپ در جبهه خلق است با پيشبرد اين سياست، امپرياليست تمدان دارد كه با ترويج اندیشه‌هاي چپ ماركيسم از يكسو بخش از تروهاي انقلابي با توره را كمتقابل به ماركيسم اصيل هستند، حول برنامه‌هاي خود سازماندهي و بوزيونيستي ديگر در جامه اين تئوري انقلابي، مده‌افكاران سوسياليسم انقلابي را بكوبد. در ميان خلق بي‌امتمادي نسبت به حكومتي خلقی ضد امپرياليست را ترويج دهد. با تفرقه افكندگي خلقی خويش، بخشي از تروهاي انقلابي را كه حكومت راد دست دارند، مليه كمونيست‌هاي راستين و عليه اردوگاه سوسياليستي بخدم آورد. بهترين خوراك تيلياني را براي تفرقه افكندگي راست فراهم آورد و در نهايت با اتواع حاده‌افريسي‌ها كار پتيله در صحنه ۶

بوقر ارباد اتحاد همه نیروهای ضد امپرياليستي و دموكراتيك ايران در جبهه متحد خلق

مسائل روستاهای

بخرند تا از خراب شدن محصول جلوگیری کنند. باید اضافه کرد که به کود خیلی جلوتر از تحویل دریافت شده بود. سببی که برای مبارزه با آفات و یا تلف هرزبه کشاورزان میبندد متأسفانه بدون مطالعه کافی روی زمین نوع محصول است که گاهی اوقات باعث خرابی برخی کشاورزان می‌شود. مقدار واهی که به کشاورزان این منطقه داده‌اند بسیار ناچیز است. بهر کشاورزی در حسب مقدار زمینش وام میدهند که به هر چرب زمین تومان وام تعلق می‌گیرد. در حالیکه این مقدار پول نمی‌تواند کوچکترین آنها را برآورده کند زیرا خرج کشت یک چریب زمین (برای برودت بیشتر است. کشاورزان ناچارند بقیه پول را به مزار زحمت قرض کنند یا بگیرند. متأسفانه این وام به خوشحالی تعلق نمی‌گیرد. خوش‌نشینان نیز زمین‌داران دریا نمی‌باشند. بیرون هم که کار پیدا نمی‌شود پس ما باید چه کار آید باید از گرسنگی بگریزیم اما اگر وام نمی‌گیرد به وضع مستضعفان رسیدن کنند چرا به وضع ما بدبختر رسیدگی نمی‌کنند. در حالیکه بسیار کم این جا هستند که زمین‌داران نیاز خود دارند چرا نمی‌توانند بطور عادلانه کشت. هر بار عده‌ای از مسئولان می‌آیند اسم ما خوش‌نشینها می‌نویسند و عده می‌دهند. اما نزدیک به بیست سال از انقلاب گذشته و ما از کوچک حق زندگی، مثل کاربرخوردار نیستیم در حالیکه من ۵ فرزند دارم با زن خود من هفت نفر هستیم. شصت‌هزارت کتید کجا بروم؟ چه کنم که به هر چه مردم دست‌خالی بر می‌گردم؟ شمارا بخدا تکیه بحال ما بجاچاره ما بکنید روستائیان این منطقه در موقع فروش محصول برنج خود با ما بسیار روبرو می‌شوند زیرا محصول آنها را دولت نمی‌خرد و آنها باید به خود را برای فروش به رشت حمل کنند. در حالیکه این امر هزینه سنگین کشاورزان بیار می‌آورد. کرایه ماشین، کرایه انبار، کرایه برای کشتن بر ترازو، هزینه برای خود شخص و مقداری که سر ترازو به بهانه‌های کم میشود. در مجموع یک سوم از مقدار کل برنج کاسته شود و ضرر زیاد نصیب کشاورزان می‌شود.

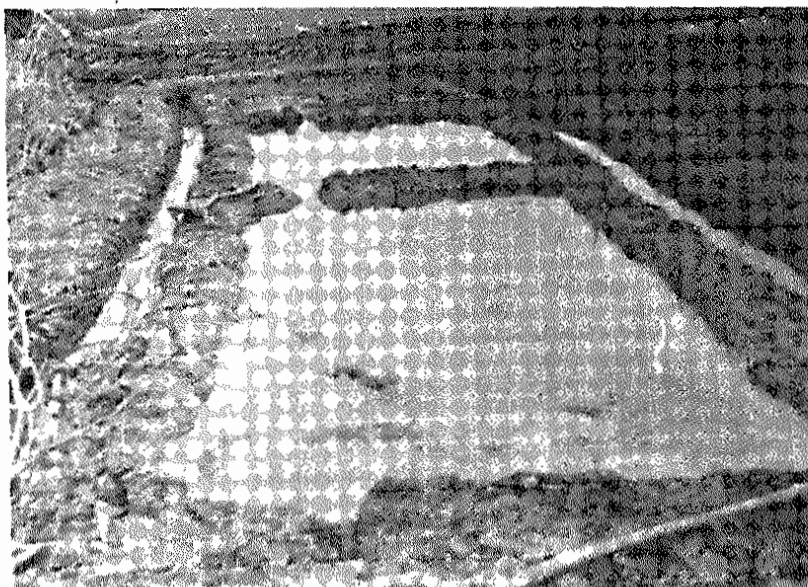
این منطقه سالها پیش بسیار مساعد برای پرورش گاو آب‌پوش اما متأسفانه بیماری‌ای که به گاو ابریشم سرایت کرده عدم توجه به تقا

در روستاهای اطراف کوچمفهان گیلان نموداری از عقب‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاهای استان گیلان را میتوان دید. مسائل متعدد و نقصان‌هایی که در این روستا زندگی زحمتکش و اهالی روستایی را تحت‌الشعاع قرار داده است، همگی نشانگر سیاست ضد دهقانی رژیم شاه مغضوب و نیز تسلط امپریالیسم برشریان‌های اجتماعی و اقتصادی کشور است. مبارزات دهقانان این روستاها که گویای حقیقی آنهاست، در حول محور مالکیت و نیز سایر مسائل رفاهی دور می‌زند.

قشر دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین فقیرترین و محرومترین اقشار دهقانی این ناحیه هستند. این دهقانان در اسارت بندهای ظالمانه گذشته گمانان به کار و تولید ادامه میدهند و مصرا نه خواهان زندگی بهتر و شرایط عادلانه و مناسب برای ادامه زندگی خود هستند. در روستاهای نویده، هشتاد و گودوسرا، کیاسرا، نشروکول، باز قلعه، گیلان و ندان، سده و میاندزده مجموعاً ۲۸۰ نفر خوش‌نشین زندگی میکنند. شرایط تولید و زندگی این دهقانان بسیار مشکل و دور از شان انسانی است. آنچه در ذیل می‌خواهیم، گوشه‌ای از زندگی دهقانان کوچمفهان است که به علت تشابه مسائل دهقانی در روستاهای این ناحیه، به ذکر مسائل روستای نویده، بهمان نمونه‌ای منتخب می‌پردازیم:

فاصله نویده تا کوچمفهان ۴ کیلومتر و تا رشت ۷ کیلومتر است. چاده خلای به طول ۳ کیلومتر روستای نویده را به چاده اصلی رشت - کوچمفهان مرتبط می‌سازد. مسئولان امر چندین بار تصمیم به بندبندی این جاده‌خاکی گرفته‌اند. متأسفانه به جای بندبندی، سنگ‌های قلوه‌ای در شتر در کف این جاده ریخته‌اند که امر حمل‌ونقل را مشکل‌تر کرده است. در این روستا ۱۴۰ خانوار زندگی میکنند که ۴۴ نفر آن خوش‌نشین (کشاورز بی‌زمین) هستند. شغل اصلی مردم کشت برنج است.

کود شیمیایی که اسما ل به کشاورزان این منطقه دادند بسیار دیر و بی‌موقع و مقدار آن کم بود. به‌طوری‌که حتی به بعضی از کشاورزان هم نرسید. از طرف دیگر قیست آن را کیلویی ۳ ریال افزایش داده بودند. کود باید موقع نشاء برنج مورد استفاده قرار گیرد و در غیر این صورت نشاء برنج را ضعیف می‌کند. متأسفانه کشت اکثر این نواحی دچار خرابی و ضعف شد. کشاورزان که کود به آنها نرسید، برده ناچار شده‌اند که در بازار آزاد کود را کیلویی ۲۰ ریال



خزانه برنج حجت‌الله کاظمی دهقان گیلک که ایادی مالک و ژاندارم آنرا زیر لگدهای خود خراب کرده و حاصل ماهها زحمت او را بر باد داده‌اند

فئودال، مزرعه دهقان را از زمین بردوژاندارم‌ها هم یاریش دادند!

حجت کاظمی به‌دادگام مراجعه و دادگاه برای فئودال شارب ۸۰۰۰ تومان قرار صادر کرد. حجت کاظمی به ژاندارم‌های دولتی ژاندارم‌های است شکایت کرد. ژاندارم‌های شه‌تنها این دهقان را مورد حمایت خود قرار دادند. بلکه معاون ژاندارم‌های باقیمانده مزرعه حجت کاظمی را ظاهراً به حکم دادگاه از زمین برد.

به این نوع حوادث که بارها و بارها در کشور ما روی داده و حاکی از وجود طرز تفکر و عمل طاغوتی در دستگاه‌های دولتی ژاندارم‌های است باید خاتمه داد. فئودالها و کمک عناصر ضد دهقان در جبهه‌ای در خلاف راستای انقلاب متحد گام بر میدارند. باید دست از باستان نه‌کار را کوتاه کرد. با پاساژی ژاندارم‌های از عوامل ضد انقلابی باید این دستگاه را در جهت انقلاب قرار داد. باید همه چیز زودتر با انجام سریع اصلاحات ارضی واقعی دست ضد انقلاب را از جان و مال دهقانان زحمتکش کوتاه کرد.

یکی از فئودال‌های معروف قریه باشکم شاندرمن خزانه برنج یک دهقان را مورد هجوم قرار داد و از زمین برد. ژاندارم‌های مسائل از فئودال حمایت کرده و معاون ژاندارم‌های ظاهراً به این بهانه که از طرف دادگاه انقلاب دست خط دارد بقیه مزرعه را که سالم مانده بود از زمین برد.

حجت کاظمی یکی از دهقانان قریه باشکم است. هشت سال پیش که به سبازی رفت این فئودال زمین او را تصرف کرد. حجت که از سبازی برگشت، مدتی دوندگی کرد که زمینش را پس بگیرد ولی با کارکنانهای عوامل رژیم طاغوت روبرو شد. بعد از انقلاب به سپاه پاسداران شکایت کرد و با جلب حمایت پاسداران معهد قطعه زمین خود را ششم نو و تنم یافتند. هنوز مزرعه‌اش را نشاء نکرده بود که یک شب فئودال ده مزرعه او را مورد هجوم قرار داد. بعد از این حادثه زن این دهقان برای بازسازی مزرعه اقدام کرد. ولی مالک با ایشرمی او را با ایل مورد حمله قرار داد و به شدت مجروح کرد.



خانه حجت کاظمی دهقانی که شرح حالش را میخوانید

با انجام خواسته‌های روستائیان، آن‌ها را به انقلاب خوشبین‌تر کنید

بر خودی می‌کنند. در حال حاضر اهالی (زجاده چوکام که با فاصله ۳۰ کیلومتری آن‌ها در شهر متصل می‌کند استفاده میکنند. آنها تهیه کرده‌اند که در صورت ادامه بی‌تفاوتی مسئولین، این جاده نیز مسدود خواهند شد.

اهالی بی‌بازار کشاورز هستند و عده‌ای هم در کارخانه‌های رشت کار می‌کنند. محصول اصلی روستائیان برنج است. در روستا یک دبستان، یک مدرسه راهنمایی، دفتر پست، درمانگاه، یک کارگاه چوب‌بری و تعدادی مغازه برای رفع احتیاجات اهالی وجود دارد.

فرزندان اهالی روستاهای اطراف بی‌بازار برای تحصیل در دبستان و سندسه راهنمایی تحصیل این روستا ثبت‌نام کرده‌اند که با توجه به باردگی در شمال برای رفت‌وآمد دچار مشکلات فراوانی هستند.

چندی پیش اهالی روستای بی‌بازار از توابع رشت در روستاهای اطراف آن (پل تخته‌ای و قصب) به علت انجام نشدن اسفالت جاده ۶ کیلومتری بی‌بازار رشت که توسط اساتندار دولت انقلاب به آنان وعده داده شده بود، با کندن عرض جادمو انداختن درخت در نقاط مختلف اقدام به بستن جاده کردند. اهالی روستا برای اسفالت ۵ کی متر راه (یک کیلومتر از راه قلا اسفالت بود) به‌ارها مسئولین اسفالت‌داری گیلان سرگردانده‌اند و در نتیجه آن‌ها از روی خشم دست به قطع جاده زده‌اند. مردم بی‌بازار که او آخر فروردین ماه جاری راه را بسته‌اند، خود اعتراف دارند که در لحظات حساسی که ملت ما درگیر مبارزه قطعی با امپریالیسم آمریکاست نباید به اقداماتی دست زد که محیط را مستحکم کند ولی مسئولین با بی‌تفاوتی به خواسته‌های آنان، آن‌ها را وادار به چنین

بزرگ‌مالکی در ایران بسود ضد انقلاب و امپریالیسم است. انجام اصلاحات ارضی تصویبی شورای انقلاب در روستاهای ا



در گذر به روستا با این دهقان سالخورده نیز آشنا که در کندن جوی آب و ساختن سد خاکی شوکت کو

گذری به روستا

روستاهای گراکو، رجاگو و کفترو در غرب شهر رشت به فاصله ۱۶-۱۰ کیلومتری این شهر واقع است که هر سه روستا جزو بخش بی‌بازار محسوب میشوند. در روستای گراکو ۱۲۰ خانوار، رجاگو ۴۰ خانوار، و کفترو حدود ۱۴۰ خانوار زندگی می‌کنند. اهالی این سه روستا با مشکلات متعدد و فراوانی روبرو هستند. وسایل رفاهی در این روستا بسیار ناقص و ناچیز است.

در هیچ‌کدام از این سه روستا برق وجود ندارد. در مسجدهایمان پایکی از اهالی گراکو (بنام تراب باقری) می‌شنویم که: سال ۵۸ مبلغ ۵۰۰۰ تومان برای برق‌کشی جمع‌آوری کردیم ولی برای اینکار ۲۰۰۰۰۰ تومان لازم بود. کسی بقیه‌اش را نداد و برق هم نکشیدند. آقای باقری می - افزاید: ده‌ها میگریند ۲۰۰۰۰۰ تومان بدهید، ولی ما بقدر هاپول نداریم که بدهیم. از جها سازندگی هم برای برق کشی به ما کمک نکرده‌اند.

یکی از روستائیان در حالی که ۱۰۰۰۰ تومان پول از جیبش درمی‌آورد گفت: مسائل هم‌پول جمع کرده‌ایم ولی مردم ندارند بیشتر بدهند

متعلق به منابع طبیعی بود بین روستائیان بی‌زمین و افرادی که مایل به کار کردن در این زمینها بودند تقسیم کرد. ماهمچنین ۱۵ هکتار زمین متعلق به دکتر جفرودی را که در رشت مطب دارد ربا بر مانده بود به همین ترتیب تقسیم کردیم این کارها زیر نظر جها سازندگی صورت گرفته است.

هر چند که روستائیان زمین دارند ولی مشکلات عدیده‌ای پیش روی آنها وجود دارد مثلاً محصلی از روستای کفترو می‌گفت: با باید بابت هر چریب که تراکتور شخم می‌زند ۱۵۰ تومان بدهیم. بایکی دیگر از روستائیان درباره وام صحبت کردیم: - وامی که یادمان برای کشاورزی به ما داده خیلی کم بود و دردی را دوا نمی‌کرد - به هر کسی چقدر می‌دانند؟ - حدود دوا ۳ هزار تومان و به بعضی حد اکثر ۱۰۰۰۰ تومان. خدا کند اسما ل

بیشتر بدهند - بهرامش چقدر بود؟ - ۶۰۰ هزار تومان است - آیا رباخوار هست؟ - قبیل از انقلاب با بهره خیلی زیاد ا میداد ولی بعد از آن تراکتور درده نیست روستائیان اگر طاقت به بانک کجا هر کدام حد توان بدهکارند می‌گفتند همه متر حتی روستائیان قد (تیل ماشینی اسه آن زمین را برای شخم می‌زنند و رشت کوچکتر از آن بدهکارند. در این روس فصل نشاء کاری مهترین سنه ۱ در رابطه با همین آب این روستا

دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین! با تشکیل به مسئولان

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکیایی) ضرورت انقلاب ایران است

مسائل کارگری

سندیکیاها سازد این گروه وجود طبقات متضاد اجتماعی و مبارزه طبقاتی میان این طبقات را نفی میکند. او منکر وجود طبقاتی بنام سرمایه‌داری و کارفرماست و چنین تبلیغ میکند که همه باید برادری بر سر گرفته بشینیم. این گروه کار را با شرکت کارگران در شوراهای کارکنان و نظارت آنها بر روند تولید تمام شده می‌اندازد. اما واقعیت آنست که در جامعه کنونی ایران طبقات متضاد وجود دارد و تا زمانی که این طبقات با منافع متضاد طبقاتی خود وجود دارند می‌بازد طبقاتی نیز وجود خواهد داشت. در پشت سر همه گروه‌های اجتماعی نفع طبقاتی انسان خفته است و تا نفع طبقاتی نفع منافع متضاد وجود دارد، نمی‌توان مبارزه طبقاتی را انکار کرد. صرف نظر از آنکه حتی در جوامعی که استثمار برافشاده و مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید وجود دارد سندیکیاها به‌عنوان بیاتگران خواهش‌های صنفی و سیاسی کارگران امکان زیست ندارند.

هر دگرگونه فوق‌الذکر برای پیشبرد مقاصد خود از جمله چنین استتلال می‌گردند که دوران سندیکیا سرآمده سندیکیاها در زمان طاقت به‌مثابه ابزار رژیم مطلقه عمل کرده و سواک گرداننده آنها بوده است و بنابراین مردودند باید دنبال نهاد دیگری رفت که آن‌ها را شورا است.

نامه «مردم» از همان آغاز و این تبلیغات گمراه کننده را افشا کرد و نوشت که شوراهای سندیکیاها، هر دو نهادهای اصیل انقلاب هستند که نه‌تنها پیشین دیگری می‌شوند بلکه یکی دیگری را نفی می‌کند. شوراهای طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای اداره و نظارت بر کارکنان کارکنان کارفرما و دولت تشکیل می‌شوند چارچوب و وظایف و مسئولیت ایشان وای و وظایف سندیکیاهاست. فقط سندیکیاها هستند که به‌عنوان نهادی ناپاک‌کاری بدست خود کارگران بوجهی می‌آیند در چارچوب دفاع از حقوق صنفی طبقه کارگر و شعارهای عام سیاسی عمل میکنند. قادرند به‌عنوان نیرومند سراسر کشوری برای پیشبرد اهداف اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر و تعیین آزادی و استقلال کشور تکامل یابند.

اگر سندیکیاها در رژیم طاقت، ابزار حکومت مطلقه و سرکوب طبقه کارگر بوده‌اند، به‌چگونه دلیل برتری آنها

پیرامون مصاحبه رادیویی آقای وزیر کار و امور اجتماعی

چرا هنوز سندیکیاها و شوراهای صنفی را با ما غایبند؟

کار شرکتی که در این مصاحبه به شورای انقلاب توانست به‌تصویرت کارساز باشد و شرایط لازم را برای شرکت هیئت نمایندگان ایران فراهم کند.

از آزمون ناکوتن یکسال گذشته است. یکسال بر تلاطمی که طبقه کارگر ایران پیشینش همه نیروها جان برکف برای حفظ دستاوردهای انقلاب ایستاده است، یکسال که کارگران بر ضرورت تشکیل نهادهای کارگری، بویژه سندیکیاها برای دفاع از حقوق خود باافشاده‌اند، و صدمات کارگری نامه «مردم» در این یکسال، بازتاب نام‌های فراوان کارگران و خواست آنان برای ایجاد و تثبیت و گسترش سندیکیاها بوده است. متأسفانه باید گفت که مسئولین وزارت کار نتوانستند طی این دوران هیچ عمل مثبتی در این زمینه انجام ندهاده‌اند بلکه در موارد بسیار نحوه عملشان بی‌انگیزگی مطلق کامل آنان به تشکیل سندیکیاها و اتحادیه‌های کارگری بوده است.

در دوران پس از انقلاب و دوران نسبتاً نیرومند ایجاد اما انحرافی در دوران کارخانه‌ها پدید آمد که هدف هر دو ایجاد سرکوبی در میان کارگران و انحراف توجه آنان از مسئله مهم تشکل سندیکیایی بود. این دو جریان ضمن آنکه سندیکیاها را نفی می‌کردند، انگیزه‌های متضاد داشتند. یکی میخواست بیخالی خود شوراهای را به‌کارگزاران حاکمیت طبقه کارگر بسل کند، پندار بی‌طولی که به‌یچوجه باصلحت انقلاب ایران سازگاری نداشت. زیرا در این مرحله از انقلاب و هدف عمده باید تشکیل «جبهه متحد خلق» در برابر امپریالیسم تجارزادگان و پشتیبانی از حکومت موجود باشد و نماینده بر سرآرا از قدرت و کوشش برای انتقال آن به طبقه کارگر و اقدامی که نیروها را تجزیه نموده و راه را برای تجاوز امپریالیسم خواهد گشود. این تر انحرافی و گمراه‌ساز بود از سوی گروه‌های چپ و چپ‌نما به‌عنوان کارگران برده شده ولی هشجاری طبقه کارگر بر سرینه آنان دست رد نهاده. این گروه‌ها هنوز هم از تلاش برحاصل یافتن بخت خود ناامیدند.

گروه دیگری نیز میخواست و می‌خواهد شوراهای راجانشین

در مصاحبه‌ای که مصادی جمهوری اسلامی ایران روز ۲۳، ۲۴ با آقای وزیر کار و امور اجتماعی داشته، نکته دیگری که وزیر کار بر آن مهر ناید، گذارد فقدان نهادهای کارگری یعنی سندیکیاها و شوراهای صنفی.

مادر شماره ۲۵۷ نامه «مردم» نوشتیم نمایندگان که بنام نمایندگان کارگران ایران: همسراه وزیر کار به کتف‌زنی بین‌المللی کنار رفته‌اند و منتصب کارگران نبوده بلکه دستچین وزیر کار بوده‌اند. در همین رابطه خبرنگار مصادی جمهوری اسلامی ایران از آقای نعمت‌زاده وزیر کار پرسید: «نماینده کارگران روی چه ضوابطی انتخاب شده بود؟»

آقای نعمت‌زاده جواب داد: «... آنچه اصولی است قاصداً باید از طرف خود کارگران؛ چون خود کارگران نمیتوانند انتخاب کنند و باید توسط سازمان‌های آنها، سندیکیاها و شوراهای صنفی یا باشدهای صنفی و متأسفانه پس از انقلاب چون سازمان‌های متشکل و رسمی از طرف کارگران نداشتیم و قانون شوراهای سالم آن در حال تصویب است» این را طیف قانونی که شورای انقلاب پارسل تصویب کرده بوده اختیار را به وزیر کار داده بود که خودش نمایندگان کارگران و کارفرمایان را انتخاب کند. چون من گفتم در سال آینده پس از تصویب قانون سندیکیاها و شوراهای صنفی نمایندگان از طرف خود کارگران خواهند بود که خیال خودشان هم را احتیاج باشد. ولی امسال بی‌تابه بر سرسی و انتخاب ما بود...»

شورای انقلاب سال گذشته طیف قانونی اختیار انتخاب نماینده کارگران را از آنجست به وزیر کار داد که فرصت کوتاه پس از انقلاب با وجود آنهم مشکلات و موانع، کافی برای تدوین قانون شوراهای صنفی و سندیکیاها و تشکیل این نهادهای مهم کارگری نبود. سال گذشته بلافاصله ۴- ماه پس از انقلاب یعنی در پایان ماه خرداد، می‌بایست هیئت نمایندگان ایران مرکب از نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران در ۱۵مین اجلاس شورایی

واسطه‌ها انگل‌های اجتماع و یاران ضد انقلاب هستند. شورش را از سر مردم زحمتکش ما کوتاه کنید!

و این همه در شرایطی است که بر اساس دستورات موکدمقامات مسئول، ساجیان و پدیداران گروه‌های آجریزی حق ندارند بدون اجازه شهرداری و پروانه رسمی به کسی آجی تحویل دهند، و تعداد قابل آرازه جیوزیسمی باید ۱۰۰۰ عدد ۱۰۰۰ تومان و آجری ۱۰۰۰ عدد ۱۰۰۰ تومان به خریدار تحویل دهند.

چیت آگاهی مقامات مسئول دولتی یادآور می‌شودیم که اکنون پیش از یکسال است که واسطه‌های فروش آجری در چهارراه شهر شریعتی واقع در حفاصل «نازی آباد» و «نمت‌آباد» اقدام بفروش آجری سفید به قیمت هر ۱۰۰۰ عدد ۹۳۰ تومان زیاده‌تر، ۱۹۰۰ تومان می‌کنند.

این فرصت‌طلبان انگل‌سفت که با ایجاد بازار سیاه عملاً آب

مشکل سکن، این خواست برحق توده‌های زحمتکش ایران که پس از منی ایجاد می‌شینی و تحمل شدائد سربانی از خود داشته باشند - هم‌چون تمام عرصه‌های دیگر مایحتاج زندگی، وسیله ای شده‌است در دست عده‌ای در لایه فرست طلب که نام‌جز «انگل» را - آنهم در جامعه انقلابی ما سزاوار نیستند.

در حالی که کارگران زحمتکش گروه‌های آجریزی پس از عمری تلاش حتی قدرت خرید چند صد عدد آجری تولید شده، توسط دستفروشی بی‌بسته خوردا ندارند و در حالی که همه‌روزه گروه کثیری از هموطنان ما که با سرهم کردن تقریباً همه چیز خود - بقصد خرید آجری به نرخ رسمی دولتی در مقابل «دفتر توزیع آجری» صف می‌بینند و انتظار نوبت خود را می‌کشند، واسطه‌ها با ایجاد بازار سیاه برای این کالا همچنان به‌زندگی در کمرباره خود ادامه می‌دهند.

۲ تاکتیک ضد انقلاب در انقلاب ایران

متأسفانه آن بخشی از نیروهای انقلاب ایران که سیاست نرفق‌انگیزی از چپ می‌بایست با سوءاستفاده از تمایلات چپ‌روانه و ناآگاهی و بی‌تجربگی آنان پیش‌برده، علیرغم هشدارهای مکرر حزب توده ایران، هرگز چنانکه باید ایماذ خطرناک این توطئه را درک نکردند و هر یک به درجاتی و به شکلی در این دام فرو افتادند. در آن لحظاتی که این امر ضرورت تاریخ بود، آنان نتوانستند این واقعیت آشکار را دریابند که این تنها امپریالیسم است که از انضاط و پذیرش ترین و سرسختانه‌ترین مواضع آنان در برابر نارسائی‌ها و ناتوانی‌های حیات حاکم سود می‌برد. این امپریالیسم است که از آنان سازش‌ناپذیری و آترمان-گرایی می‌طلبد و از پذیرش در حالیکه امپریالیسم برای جدا کردن آنان از توده‌ها در پی فرست بود، آنان خود در چنای شدن از خلق پیشقدم شدند. در شرایطی که اتحاد نیروهای ضد امپریالیست یک نیاز و ضرورت عینی بود و کوشش در راه تشکیل و تحکیم جبهه متحد خلق و طبقه سربل-ناپذیر هر نیروی انقلابی محسوب می‌شده چپ‌گرایان چپبه خلق در ایران کمتر تمایلی به تعیین مرز و حدفاصل مشخص مابین خود و نرفق‌انگیزان چپ‌نما نشان ندادند. این اشتباهات و بی‌انگیزگی و وسیع‌ترین میدان‌ها و بیشترین امکانات برای فعالیت خرابکارانه بسود امپریالیسم را در اختیار نرفق‌انگیزان چپ‌نما قرار نداد. در موارد بسیاری ما-و-بستیا و دیگر چپ‌نمایان نتوانستند اراده خود را به انقلابیون چپ‌گرا تحمیل کنند و آنان را بدنبال خود به برادری می‌ستیم با انقلاب بکشاند. برای مثال می‌توان مورد آشوب دانشگاه‌ها را ذکر کرد که طی آن مائوئیست‌ها توانستند فدائیان را علیرغم مخالفت تلویحی سرکوبیت سازمان فدائیان، به درگیری در آشوبی بکشاند که ده‌ها کشته و صدها زخمی و شکافی بزرگ مابین آنان و خلق بجا گذاشت و جز بسود سرهنگ توکل تمام نشد، اما مثال نمونه‌وار برای این پدیده خطرناک انقلاب ایران مثال کردستان است.

حدت مسئله ملی در کردستان وسیع‌ترین و ثمر-

بخش‌ترین میدان‌ها را برای فعالیت ضدانقلاب از چپ و راست در این نقطه از سین ما فراهم کرد. برلج‌ترین و ظریف‌ترین همکاریها و هماهنگیها مابین ضدانقلاب چپ و راست در کردستان، متأسفانه توانست خطرناک‌ترین و بی-سابقه‌ترین تفرقه‌ها و ضدیت‌ها را میان خلفای ایران بوجود بیاورد. شاهد بودیم که نیروهای انقلابی چگونگی به‌تاسف‌ناپذیرترین شکل در کام مہلک این توطئه چپ و راست، فرو رفتند. گمراهی نیروهای آجری در جریان بحران کردستان تا حدودی بود که گمراهی چنین بنظر می‌آید که گروهک ضدانقلابی کومله، گروهکی که گویا شوروی و عمل خویش را نعل‌نابل از روی «مشق سرخ» رونویسی کرده است، توانست است با تمام ضعف‌گویی‌های خویش هم‌زمان جنگ برادرستی را در کردستان بدمت‌گیرد. بویژه در جریان جنگ اخیر سندیکیا، این گروهک تلورم مخالفت تلویحی چپ‌گرایان موفق شد با حمله به ستونی از ارتش جنگ برادرستی را آغاز کند و چپ‌گرایان را به دنبال خویش بچنگ بکشاند.

برای شناخت دقیق ماهیت ضدانقلابی این عملکرد کاپیت که به حادگی کوچکی که در گوشه دیگری از کردستان گذشت و بسیاری به آن بی‌توجهی کردند، توجه کنیم: روزنامه کار خیر می‌دهد که آندگی پس از آغاز جنگ در سندیکیا، دفتر ساواگی که قصد داشته‌اند در سی‌باد نیز با حمله به مقر سیاه پاسماران آتش جنگ را برافروزند، دستگیر شده‌اند (کار شماره ۵۶ سوره‌نامه کردستان صفحه ۳). این نقطه اوج همکاری و هماهنگی ضدانقلاب چپ و راست در کردستان پلاکیده بسود، کومله و دیگر مائوئیست‌ها در سندیکیا همان کردند که ساواک در مهاباد در پی انجام آن بود.

با این شکردها و ترفندها، نرفق‌انگیزان چپ و راست موفق شدند در کردستان مرگبارترین زخمی را به یکسر جبهه متحد خلق وارد آورند. انقلاب هنوز فرصت آن را نیافته است که صفات درد این زخمی را احساس کند، آئینه عظمت زبان‌بانی را که اندکان این شکاف در جبهه

مقدح از صفحه ۳
متمدان خویش در دستگاه حکومتی را برای بجان‌هم‌انداختن نیروهای انقلابی تسهیل کند.

گروهک شفق سرخ، چندسای پس از پیروزی تسمام، انحلال خود را اعلام کرد. افشکاری نیروهای انقلابی مجال فعالیت به‌این گروهک شناخته شده نمداد از اینرو ادامه فعالیت آن برای امپریالیسم صرف نمیکرد. بویژه که روح شفق سرخ در کالید بیکار و کومله و در زندگان... حصول کرده بود و اینان که امکانات بیشتری برای فعالیت داشتند داوطلبانه پرچم سیاه فرو افتاده از دست گروهک را برداشته و بیکرانه به‌استاز در آورده بودند. بلافاصله پس از انقلاب جریانهای مائوئیستی ایران به دو شمه تقسیم شدند، بخش کوچکی از آنها زیر پوشش دفاع از انقلاب، فعالانه سیاست نرفق‌انگیزی از راست را در پیش گرفتند و بخش دیگر با چهره‌ای چپ‌نمایانه با جدیت و پشتکار بیشتری از گروهک شفق سرخ، به انجام فعالیت سازمانی جاسوسی امپریالیسم در زمینه تفرقه-افکنی از چپ پرداختند.

حزب توده ایران از آغاز فعالیت در دوران استقرار انقلاب ایران، در همانحال که تمام تجربه و دانش سیاسی خویش را برای مبارزه با نرفق‌انگیزی ضدانقلاب از راست بیکار گرفته است، همواره به همه نیروهای انقلابی درباره احتیاز از نرفق‌انگیزان به‌دام تفرقه‌افکنان چپ‌نما نیز هشدار داده‌است. بارها گفته‌ایم که تنها با اتخاذ سیاست اتحاد و مبارزه، میتوان در عین تحکیم اتحاد اصولی نیروهای انقلابی و خنثی کردن نرفق‌انگیزی ضدانقلاب، برای حفظ، تثبیت و پیشبرد دستاوردهای انقلاب مبارزه کرد. در گزارش حیات آجریایی به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است:

... ما باید از طرح شمارهای که در مرحله کنونی جامعه ایران نیرواقتی هستند، مطلق خودداری کنیم و سایر نیروهای انقلابی را نیز از طرح اینگونه شمارها برحذر داریم. طرح شمارهای نیرواقتی می‌تواند بسود سوءاستفاده دشمن و محافل راست قرار گرفته و کار آنها را در زمینه تفرقه‌اندازی و جدا ساختن نیروهای انقلابی از مردم آسانتر سازد. (مردم شماره ۱ صفحه ۶)

نیست. استبداد طاقتی هم احزاب راست‌گرا و هم سندیکیاها راه هم احزاب را مستشاند و فراموشی کرد. هم سندیکیاها را. پس در ذات و ماهیت احزاب و سندیکیاها خللی نیست و اگر خللی است در ذات و ماهیت استبداد است. همانطور که اکنون احزاب سیاسی وجود دارند سندیکیاها هم می‌توانند وجود داشته باشند. در شرایط وجود آزادیهای سیاسی، سندیکیاها یگانه نهاد متشکل صنفی و طبقاتی کارگران هستند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به اهمیت سندیکیاها و شوراهای صنفی ضرورت تشکیل آنها تاکید کرده است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که در این ۳۰ ماه پس از تصویب قانون و وزارت کار برای تشکیل شوراهای سندیکیاها چه کرده است؟ با تاسف باید گفت وزارت کار نه‌تنها بر تله‌های انحرافی تبلیغ شده در دیون کارخانه چشم بست و حتی کوشش حداقلی هم در جهت حمایت از خواست طبقه کارگر برای تشکیل سندیکیاها به عمل نیاورد، بلکه برخی مسئولان وزارت کار هر کجا که توانستند با کارشکنی در راه ثبت سندیکیایی این یان واحد صنفی و این یا آن کارگاه کوچک عملاً راه را به‌شکل سندیکیایی بستند. حاصل این نحوه عمل آنست که مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد شوراهای سندیکیاها بلاچرا مانده کارگران در نتیجه فقدان شبکه سندیکیایی نتوانستند نمایندگان منتخب خود را در تدوین قانون جدید کار شرکت معنده نتوانستند نمایندگان منتخب خود را به سازمان‌های بین‌المللی و از جمله سازمان بین‌المللی کار آزادارند، در ایجاد و گسترش پیوندها بسا سازمان‌های بین‌المللی کارگری، از تبادل تجربه و جلب پشتیبانی وسیع آنها محروم مانده‌اند و از همه انقلاب ایران که تشکل سندیکیایی و سیاسی طبقه کارگر بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پشتوانه حلف دستاوردهای استت است نتوانست از این پشتوانه عظیم سود کافی برد و در آینده نیز ادامه تجزیه و تفرقه طبقه کارگر مسلماً به‌زبان انقلاب ایران است.

وزارت کار و امور اجتماعی وظیفه دارد قصور و سماعحه گذشته را هر چه زودتر جبران کند. در اجرای قانون اساسی شرایط و مقدمات لازم را برای تشکیل سندیکیاها کارگری و شوراهای واقعی فراهم آورد تا هر چه زودتر این دو نهاد انقلابی در گستره کارخانه‌ها و مراکز تولیدی بوجود آیند تا در چارچوب وظایف و مسئولیت خود عمل کنند. طبقه کارگر بنبویه خود وظیفه دارد هر چه زودتر به‌تشکل سندیکیایی خود تحقق بخشد. این بسود طبقه کارگر و بسود انقلاب ایران است

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه «مردم» در نظر دارم که- های تمام‌بازاری را که در دوران سلطنت ننگین و منفرد خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و جنبشی و انسانی خود شهادت رسانیدند، جمع‌آوری کند. از همه مین‌دستان و آزادی‌خواهان تقاضا می‌شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر نامه «مردم» مراجعه کنند.

یا صیاس - نامه مردم

تجد خلق ایران متوجه انقلاب ایران کرده است نشان خواهد داد

آنچه در کردستان گذشت، دو صورت موفقیت کامل امپریالیسم می‌بایست در سراسر ایران جاری میشد؛ تبلیغات و عملیات پرفرانزده ضد حکومتی، خرابکاری و حادگی آفرینی از چپ، بی‌اعتبار کردن نیروهای انقلابی با بزرگ‌نمایی مواد خاص که چپ‌نمایان فراهم کرده‌اند از راست، منفرد کردن نیروهای انقلابی و به گلوله بستن آنان از هر دو سو.

خوشبختانه واقعیت و باطنی و قاطعیت حزب توده ایران در لحظات حساس تاریخی کم و بیش توانست است تمایل فراوان چپ‌گرایان را به هماهنگی با نرفق‌انگیزان چپ تا حدودی خنثی کند. به‌جرات می‌توان گفت که اگر عملکرد وحدت‌آفرین حزب طبقه کارگر ایران نبود چه بسا که نایجه تاچبال اتفاق افتاده بود.

هنگامی که دورنمای واقعی را که در این شانزده ماه بر انقلاب ایران گذشته است مرور میکنیم، نخستین و برجسته‌ترین نکته‌ای که به‌شم می‌آید، هماهنگی زیر و زبانی در تاکتیک ضدانقلاب و ناهماهنگی و بی‌دستی واهی بخش بزرگی از نیروهای انقلابی در برابر این هماهنگی است. این هماهنگی و آن بی‌دستی‌بازی رزم و راز متحد غائله‌های ضدانقلابی در این شانزده ماه است.

خوشبختانه در هفته‌های اخیر بویژه در میان چپ-گرایان تحولات مثبتی در راستای درک مساهبت ضدانقلابی نرفق‌انگیزان چپ‌نما بوقوع پیوسته است. برشک اگر این تحولات بیگیرانه دیالک شوند، جبهه دفاع از اتحاد اصولی نیروهای انقلابی ایران برای خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم چپان تزه‌ای خواهد گرفت. میدان ماور ضدانقلاب از چپ و راست هر چه بیشتر محدود خواهد شد و امکانات لویی برای پیروزی قطعی انقلاب ایران فراهم خواهد آمد. بر صورت آئنده در هر راستایی جریان پیدا کند انقلاب ایران تاچبال یکبار دیگر این درس بزرگ را به انقلابیون راستین آموخته است که در دوران ماه تنها با تشکیل و تحکیم جبهه متحد خلق، دورنمای پیروزی قطعی و لسانی بر امپریالیسم جهانی، پیش روی جنبش آزادیبخش گشوده خواهد شد.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

مرگ شاه مخلوع، در اهداف انقلاب ضد امپریالیستی خلق ما تغییری نمیدهد!

شاه مخلوع، چنانکاری است که دستش بخون دها هزار نفر از مردم مبارز ایران آغشته است. مرگ او (که گاه بکرات خیرگزارها نزدیکی آنرا نوبد میدهند) کمترین عجزاتی است که این چنانکار مزدور می تواند دریافت کند. اما مردم ایران شاه مخلوع را تنها به واسطه تبهکاریهای بی حد و حصرش، در شکنجه و تیرباران بدترین فرزندان این کشور، مقرر نمیشدند، بلکه همچنین او را همراهی میداند که مجسری مطلق و مقاصد چنانکارانه و غرتگرانه امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها در ایران بود و مسئول وابستگی، ناسد، انضباط و عقبنامه های در کشور ماست.

(امام خمینی، ۲۳ تا ۲۸ مرداد ۵۸) جمهوری اسلامی در شرایط حساس کنونی که سرزمین ما با مشقات و سختیهای طاقت فرسای که نمره سالها روابط غارتگرانه و اسارت بار با امپریالیستها، پسگردگی امپریالیسم آمریکا، استور ویرانه ها و مملوآت کشور آفرین مینویسند، اینگونه موضع سلاطین شاه بسیار نگران کننده است (یادمانده ۸ تیر ماه ۵۹) و او هم یکی در روز دیگر زنده نخواهد ماند. (املاعات ۸ تیر ماه ۵۹) منتظر می سازند، شایان تاکید است که مرگ شاه، این دست پرورده امپریالیسم آمریکا، بیهوده در هدف مبارزات انقلاب مردم ما، تغییر وارد نخواهد ساخت و مبارزه بیگانه تعلق تمام وابستگیها، تا استرداد کامل اموال غارتی شاه، تا پیروزی نهایی و سعادت آفرین انقلاب یعنی تائین استقلال واقعی ایران در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ادامه خواهد یافت. امام گفته است:

ما، سازمان جنبش سوادک را با کمک خود، فروختگان داخلی، زیر نظر شاه مخلوع و کارشناسان دربار جاسوسی آمریکا، ریزی کرد. زندانیهای متعدد ساخت و بهترین فرزندان خلق را به بند کشید. و حتی بریار میهن پرستان این آب و خاک را زیر شکنجه های قرون وسطایی و در سحرگاههای برپایان اعدام به نیستی کشاند. و امام گفت: «آمریکا آن کسی است که ۵۰ سال به این مملکت خجانت کرد و به امر او جوانهای ما دست جمعی در خیابانها کشته شدند... یک هجرت موجودی (شاه مخلوع) را که تمام ملت ما با او دشمن است آمریکا می برد... آمریکا منشاء این امور است، منشاء کارهایی که انجام گرفته سستی باشد. (کیهان - ۱۹ آبان ماه ۵۸) اینک، خواست عادلانه مردم ایران بعد از پیروزی انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی، به رهبری امام خمینی در این مورد جزیر استرداد شاه مخلوع، اموال غارتی او، و قطع نفوذ امپریالیستها، پسگردگی امپریالیسم آمریکا از همه نشووندها و برجیدن بساط همه امور و کارهایی که آمریکا منشاء آنها بوده، نیست. من پاره ها گفتم و هم اکنون اعلام میکنم که ایران باید تا قطع تمام وابستگیهای سیاسی، نظامی، اقتصادی، و فرهنگی خود را از آمریکا به مبارزات قطع خود علیه این جهانفروار بی رحم ادامه دهد.»

اعتراض خلق کرد به دستگیری فاروق کبخسروی توسط فاشیستهای «گروه قاسملو»، گسترش می یابد

در پی درود شدن فاروق کبخسروی، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پرو کنگره چهارم)، توسط اوباشان گروه فاشیست قاسملو، اعتراضات شدیدی از جانب شخصیت های مردم کردستان نسبت به این عمل چنانکارانه، انجام گرفته است. اما فاشیستهای مراد «دمکراسی» «گروه قاسملو»، همچنان این انقلابی صلیب را در دواخین در زندان خود نگهداشته اند. این اعمال «گروه قاسملو»، نه تنها مایه تامل و اذعانهای آنان را در دفاع از «دمکراسی» به خلق کرد می نمایاند، بلکه هر روز که میگردد، گروه جدیدی را به اعتراض علیه این خودسرها و خودکامیها، برمی انگیزد. مردم کرد، خواستار آزادی فرزند صلیب خود، فاروق کبخسروی از زندان فاشیستها هستند.

حمله به دفتر نامه «مردم» در گرمسار

به تحریک چند عنصر شناخته شده روز ۱۳ تیر عده ای دفتر نامه «مردم» در گرمسار را مورد تهاجم قرار دادند. این افراد تحریک شده علاوه بر ازاره کردن پوسترها، مشغولین دفتر را تهدید به تخریب محل روزنامه نامه مردم کردند. ظاهراً این افراد عمدتاً منتهجین به اعمال مذبذبانه و غیرمسئولانه در گرمسار حمله کنند و به اصطلاح «آنها» جمع کنند. ماضی اعتراض به این عمل ضد انقلابی از مشغولین نهادهای انقلابی گرمسار بخصوص سپاه پاسداران انقلاب می خواهیم که محرکین این افراد را شناسایی کنند و اجازه ندهند که اصول مصلحت طلبانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدینگونه پایمال شود.

محرکین را شناسایی و از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دفاع کنید

توجه!

واژه نامه سیاسی اجتماعی که اخیراً نایاب شده بود توسط انتشارات حزب توده ایران تجدید چاپ شد. چاپ پنجم این واژه نامه شامل معانی ۱۱۰ واژه در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی است.

شاه به حمایت و پشتیبانی دولت آمریکا دست به این جنایات وحشیانه زد و ملت ما را از هستی ساقط کرد. ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و آمریکا و عمال آن دست از مبارزات برحق خویش برنمی دارد و نخواهد برداشت. «شيطان بزرگ» امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق ما از طریق تحویل قرار دادهای نابرابر و با اعمال ساختن حقوق حقه ملت ستمدیده ایران اسارت و وابستگی برای مردم ما بیار آورد. سالیان سال به بهای فقر و گرسنگی مردم ایران نفت را در دستش می گرداند و کشور ما را به زرادخانه جنگ اترارهای مدرن دلخواه خود تبدیل ساخت. و از ایران «شاهنشاهی» ژاندارمی برای سرکوب جنبشهای آزادیبخش منطقه بوجود آورد. در این باره امام چنین گفت: «شما خلقی که ما را غارت کردید در ازاء آن به ما تنگ و توب دادید، آن توب و تنگ و آن اسلحه هایی که برای خودتان بودند نه برای ما.» (اول آذرماه ۵۸ - جمهوری اسلامی) شاه تنها عاملی برای اجرای این سیاست امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق

بیانیه اجلاس دبیر خانه دائمی کنگره سراسری خلقهای عرب سیاست آمریکا در خاور میانه را محکوم میکند

بگذاردی خبر گزارها چهارمین اجلاس دائمی کنگره سراسری خلقهای عرب که سازمانهای سیاسی و اجتماعی کشورهای عرب زبان را دربر میگیرد در بیانیه خود ششصد و سیست آمریکا در خاور میانه و تلاش این کشور را برای تحویل اراده خود بر ملت های منطقه، مورد حمله قرار داد در بیانیه تاکید شد سیاست امپریالیسم آمریکا تلاشهای خود را برای دستیابی به این هدف با کمک ادوای غرب، ادامه میدهد. آمریکا تلاش دارد کشورهای تازه ای را با موافقت نامه های کمپ دیوید همراه سازد. در بیانیه اضافه شده است رژیم صهیونیستی آن کشور را به پایگاه امپریالیسم آمریکا تبدیل کرد. قاره حور با واکنش علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه میکند. رژیم صهیونیستی برای تجاوز جدید علیه لیبی آماده شده و اوتوپی را نیز تهدید می کند. کنگره دائمی خلق عرب پیشنهاد کرد روز ۲۳ ژوئیه برای بار دوم انقلاب مصر که به رهبری جمال عبدالناصر صورت گرفت تظاهراتی در مقابل سفارت خانه های آمریکا و مصر در جهان عرب برپا شود. پیشنهاد سوریه در مورد استراتژی جدید در برابر تجاوز آمریکا، اسرائیل و رژیم سادات بگذاردی رویه ناظران سیاسی در دمشق گفتند انتظار می رود رهبری سوریه برای تحکیم جبهه ضد امپریالیستی روابط با شوروی را تحکیم بخشد و بدین وسیله تامل استراتژی در منطقه را پارسیک برقرار سازد. در پی امضای معاهده کمپ دیوید، وسیله رژیم سادات این تامل دفع اسرائیل بر هم خود شده است. منابع آگاه گفتند سوریه در کنفرانس وزیران خارجه و اقتصاد عرب که در عمان برگزار میشود طرحی در مورد اتخاذ استراتژی جدید از سوی اعراب علیه اسرائیل، برای دوران بعد از کمپ دیوید، وسیع امکانات اعراب علیه اسرائیل پیشنهاد خواهد کرد.

رویدادهای جهان

رژیم دست نشانده آمریکا محکوم به فساد خشم و انزجار خلق های السالوادور از جمله چکمه پوشان رژیم نظامی و سرسپرده کشور به دانشکاه سان سالوادور که به کشته شدن حدود بیست تن منجر شد ادامه دارد. معاون دانشکاه سان سالوادور در یک صحابه مطبوعاتی در مکزیکو ضمن اشاره به این رویداد گفت «دوروست حاکم بر کشور کماکان کمکاری نظامی از آمریکا دریافت میکنند و کشتی های آمریکائی هر روز سلاحها را در السالوادور تخلیه می کنند. کارشناسان آمریکائی نیز عملیات علیه خلق را نظارت می کنند. از سوی دیگر یک رهبر چریکی السالوادور در همین صحابه به ویرانه روز افزون کوروس های مبارز اشاره کرد و گفت روز های فرمانروایی رژیم دست نشانده السالوادور به شماره افتاده است. بزودی برنامه قیام عمومی خلق علیه دارو دست مزدور تنظیم خواهد شد.

در کنگره حزب کمونیست سوریه

خالد بکتاش رهبر حزب کمونیست سوریه درباره کنگره اخیر حزب گفت قبل از هر چیز باید اعلام کرد که کنگره با شمار تقویت استقلال ملی سوریه و همبستگی نیروهای بین پرست و ترقیخواه که در راه آزادی سرزمین های اشغالی عرب و تائین حقوق حقه خلق عرب فلسطین از جمله حق این خلق برای داشتن یک کشور مستقل مبارزه می کنند برگزار شد. بکتاش گفت کمونیستهای سوریه لزوم تحکیم بخش دولتی اقتصاد و گسترش نقش آنرا در رشد و توسعه اقتصاد کشور را ضروری می داند و قاطعانه از اجرای اصلاحات ارضی تمام عیار و طرد زمین داران بزرگ حمایت کردند. در کنگره کمونیستهای سوریه مسائل مربوط به مبارزه برای دموکراسی، آزادی مطبوعات و افزایش نقش سازمانهای منافی کاروازان کارگران و روشنفکران انقلابی مطرح شد. کمونیستهای سوریه به این مسئله اشاره کردند که اخیراً برائت فاشیه ای از ارتجاع در جود داخلی سوریه تشنج حاصل شده و بنابراین به خاطر مقابله با این فاشیسم ارتجاعی ارضی میباید چه نایب کمترین تزلزل در هتیاوی و آمادگی ایجاد شود چرا که اندک تزلزل در هتیاوی، ارتجاع محلی را گسترش میدهد. بر کسی پوشیده نیست که ارتجاع محلی با امپریالیسم جهانی رصیو سیسم ارتباط دارد و به قور سیاسی علیه نیروهای میهن پرست مبارزت کرده است. ارتجاع تلاش دارد مردم را مرعوب سازد. در کنگره کمونیستهای سوریه موضع اتحاد شوروی در مورد مسائل جهانی و ویژه مسئله خاور میانه مورد بررسی قرار گرفت و این موضع درست و در جهت منافع اعراب ارزیابی شد. بکتاش گفت کمونیست های سوریه نفع گسترش دوستی با اتحاد شوروی را بطور نظر کردند و تلاش برخی از شخصیت های سیاسی برای تحویل با اصلاحات تئوری دو فایده قدرت به مردم و همکاران قراردادن کشور امپریالیسم آمریکا و کشور سوسیالیستی اتحاد شوروی مورد انتقاد قرار گرفت. همچنین در کنگره تلاش امپریالیسم آمریکا برای تحویل نظریات خود به خلق عرب و دستنهادهای عربی به آرا به سیاست های امپریالیستی خود قویاً محکوم شد.

در جهان سوسیالیسم

پیشرفت های چکسلواکی در زمینه شبکه های ارتباطی چکسلواکی از نظر وسعت و کیفیت شبکه ارتباطی، یکی از کشورهای پیشرفته جهان بشمار میرود. این کشور دارای ۱۳۰۰۰ کیلومتر راه آهن، ۳۴۵۱ کیلومتر جاده و بزرگراه، ۴۵۸ کیلومتر آبراه و ۵۶۶۶ کیلومتر خط هوایی داخلی است. شرکت هواپیمایی ملی چکسلواکی (ا.ا.ا.ا.) از ۱۲۰ هزار کیلومتر خط بین المللی هوایی استفاده میکند و از این حیث در میان کشورهای سوسیالیستی مقام دوم را درآورد. طبق آمارهای سال ۱۳۵۵، باربری وسیله راه آهن در چکسلواکی ۶۹۴۳ تن کیلومتر بوده است. این بیکره برای جاده ۶۱۷۹ تن کیلومتر، برای آبراهها ۲۶۶۷ تن کیلومتر و برای خطوط هوایی ۴۶ تن کیلومتر است. در سال ۱۳۵۶، شماره مشترکین تلفن در حدود ۲۷ میلیون بود. چکسلواکی دارای دوشبکه تلویزیونی است. برنامه اول سراسری است و برنامه دوم از سوی ۶۰ درصد مسکنه قابل استفاده است.

در جهان سرمایه داری

افزایش سرسام آور بودجه نظامی در اسرائیل از بودجه ۶۰۳ میلیارد دلریه (اسرائیلی) سال اسرائیل ۱۹۵۷، ۴۱۰ میلیارد لیره، یعنی ۶۳٫۶ درصد رابه مصارف مستقیم و غیر مستقیم نظامی اختصاص داده است. یکی از اجزای مهم این رقم، بودجه وزارت دفاع است که بالغ بر ۲۱٫۹۵ میلیارد لیره اسرائیلی میگردد. باین رقم، همچنین باید، مخارج زیر را افزود: ۱۶۰ میلیارد لیره بابت پرداخت قرضه نظامی، ۱۶۹ میلیارد لیره بابت فرات به مسکنان تخلیه شده از صحرائ سینا، ۹۶ میلیارد لیره بابت مصروف در مناطق اشغال شده، ۸۵۰ میلیون لیره بابت کمیت انرژری اتمی و ۹۰ میلیارد لیره بابت بودجه پلیس، یوژنه در سرزمین های اشغالی. باید یادآور شد که وزن بودجه دفاعی، در کل بودجه از ۲۷ درصد در سال گذشته، به ۳۷٫۳ درصد در سال کنونی افزایش یافته است. مخارج نظامی محلی اسرائیل ۴۸ درصد از بودجه می یابد و از ۱۳۰ تا کنون رکوردی جدید خواهد بود. دولت اسرائیل، پشتیبان خود، می خواهد مردم را بفریبد که گویا افزایش نظامی به پدید آمدن کار خواهد انجامید اما واقعیت آنست که بیش از نیمی از افزایش بودجه نظامی به نسبت سال گذشته صرف گسترش نیرو و توسعه ساختمانی در سرزمینهای اشغالی شده و تنها ۵ میلیارد لیره برای خرید درخود اسرائیلی کار رفت، که از این معنای ایجاد کار نیست. در هیچ درجه دنیا، کار مردم با اندازه اسرائیلی صرف طرحهای نظامی نمیشود. بگذاردی «انتیپتو» پژوهشواسترالژیکی» در لندن در سال گذشته، هر اسرائیلی ۱۱۴۰ دلار بابت مصارف نظامی پرداخت. بیکره، شایه برای ایالات متحده ۵۶۰ دلار، برای بریتانیا ۳۵۰ دلار، برای سوئیه ۲۴۴ دلار، برای اردن ۱۲۵ دلار و برای مصر ۵۴ دلار است. بهوجب همین گزارش، ۲۶٫۲ درصد فرآورده ملی ناوژنه اسرائیل صرف مبارزات نظامی می شود. این رقم برای بریتانیا ۲٫۸ درصد، برای ایالات متحده آمریکا ۵٫۸ درصد و برای مصر ۱۲ درصد است.

ملاقات و مذاکرات مهم بین رهبران اتحاد شوروی و ویتنام

مذاکرات رهبران دولتی و حزبی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سکو انجام شد. ریاست هیئت شوروی را لئونید برتوف دبیر کل حزب کمونیست و صدر شورایی اتحاد شوروی و رهبری هیئت ویتنام را لهوان دبیر کل حزب کمونیست ویتنام بسمه داشت. الکسی کاسینیک وفام وان درنگ نخست وزیران دو کشور و همچنین دیگر رهبران برجست حزبی و دولتی اتحاد شوروی و ویتنام در مذاکرات شرکت داشتند. در جریان مذاکرات لهوان شان ستاره طلایی، عالی ترین نشان ویتنام را به برتوف، کاسینیک و میخائیل سولسلف عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی بجا می داد. این سه تن در راه گسترش همکاری و دوستی خلق های اتحاد شوروی و ویتنام ادا می کنند اهداء کرد. لهوان گفت حزب کمونیست و مردم ویتنام لئونید برتوف را رهبر برجسته حزب و دولت شوروی و ادامه دهنده راه و روش لنین بزرگ و از شخصیت های برجسته جنبش کمونیستی و کارگری جهان و دوست بزرگ مردم قریان ویتنام میدانند. همچنین خدمت کاسینیک و سولسلف برای حزب کمونیست و مردم ویتنام بسیار ارزنده است. لهوان گفت مناسبات دو کشور بر اساس معاهده دوستی و همکاری گسترش می یابد و همبستگی یکبار جویانه دو کشور نیروی شگرفی به مردم ویتنام بخشیده است. مردمی که اکنون برای دفاع از میهن در برابر اردو دست و پانگ امپریالیسم آمریکا می کشند، لهوان تاکید کرد حزب کمونیست ویتنام از تصمیمات اخیر گسترش و روش از جمله تشکیل کنفرانس از رهبران کشورهای همه مناطق جهان برای کاهش تنشها جهانی استقبال می کند. لهوان اضافه کرد تنشها کنونی در جهان از توطئه های آمریکا و چین ناشی میشود و در چنین شرایطی برنجی تلاش های حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی از اهمیت خاصی برخوردار میباشد. لهوان تحریکات آمریکا و چین را در هندوچین مورد حمله قرار داد و تاکید کرد شوروی حامی خلق های هندوچین است. لئونید برتوف رهبر اتحاد شوروی پندار دریافت کنندگان نشان ها از حزب کمونیست و مردم ویتنام سپاسگزاری کرد و گفت دوستی و همبستگی دو کشور سال به سال گسترش می یابد و گسترش خواهد یافت. دو کشور در مسائل جهانی و ویژه در مورد آسیای جنوب شرقی اتفاق نظر دارند. و آراشان و رفاه خلق ها را در درجه اول اهمیت قرار میدهد. برتوف گفت آسیای جنوب شرقی تا آرام است. رهبر اتحاد شوروی ضمن اشاره به نظام آمریکا و چین در آسیای جنوب شرقی گفت ما همه باید بدانند که هیچکس نمیتواند مشعل آزادی را در هندوچین خاموش کند.

کنفرانس سازمانهای غیر دولتی کشورهای در حال توسعه سیاست نو استعمار غرب را محکوم کرد

کنفرانس شماری از سازمان های غیر دولتی بیش از ۲۰ کشور در حال توسعه در نازاریا برگزار شد. در قطعنامه پایانی کنفرانس ضمن اشاره به سیاست های نو استعماری قدرتهای غربی عملیات صندوق بین المللی پول شدیداً محکوم شد. در قطعنامه گفته میشود که شرایط وام های صندوق بهیچوجه نمیتواند برای خلق های جهان در حال توسعه قابل قبول باشد و این صندوق در امور داخلی کشورها مداخله می کند. این سازمان ها خواستار ایجاد یک سازمان اقتصادی دیگر بجای صندوق بین المللی پول شدند تا بدین ترتیب منافع کشورهای در حال توسعه حفظ شود.

کنفرانس جهانی سازمانهای غیر دولتی خواستار اعمال مجازات علیه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی است

کنفرانس حدود پنجاه سازمان غیر دولتی جهان که در زمینه اعمال مجازات علیه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی در زو تشکیل شده بود به کار خود پایان داد. در قطعنامه پایانی کنفرانس خواسته شده است سازمان های ملی و بین المللی مبارزه با علیه نژاد پرستی گسترش دهند. در قطعنامه آمده است نژاد پرستان آفریقای جنوبی نه تنها سرکوب علیه غیر سفید پرستان را در داخل آفریقا ادامه دادند، بلکه به اشغال غیر قانونی آفریقا و تجاوز به کشورهای همسایه ادامه میدهند. قطعنامه خشم و نفرت سازمان های شرکت کننده را از همکاری اقتصادی و نظامی آمریکا و انگلیس و دیگر کشورهای غربی و همچنین دولت چین با رژیم نژاد پرست اعلام داشت. کنفرانس همبستگی خود را با کنگره ملی آفریقا و سازمان رزمندگان آفریقای جنوبی و سرابو اعلام کرد.

تدارکات آمریکا در اقیانوس هند

امپریالیسم آمریکا حضور نظامی خود را در اقیانوس هند افزایش میدهد یک کشتی باری آمریکائی، همراه با تعداد زیادی تجهیزات نظامی، راهی پایگاه های «دیوکارسیا» در اقیانوس هند شد. قرار است بزودی کشتی باری دیگری تجهیزات نظامی به این پایگاه حمل کند. سیاه واکتی سریع آمریکا از این تجهیزات استفاده خواهد کرد. پایگاه «دیوکارسیا» یکی از پایگاههای پشتیبانی سیاه واکتی سریع در خلیج فارس است.

سازمان وحدت افریقا انحلال پایگاه نظامی آمریکا در دیگو گارسیا را خواستار شد. آمریکا آماده شده صلح را در اقیانوس هند بخطر می اندازد و اقیانوس هند باید به منطقه صلح تبدیل شود.

رهبران کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا اعلام کردند انگلیس باید بزرگ دره گارسیا و هر چه زودتر به کشور مورس بازرس دهد. انگلیس قبل از استقلال مورس بطور غیر قانونی دیگو گارسیا را تصرف کرد و پس از آن به آمریکا تحویل داد. رهبران آفریقای اعلام کردند پایگاه دیوکارسیا که برای استفاده سیاه واکتی سریع

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی!
بنام کمونیست‌های سوئد، شصتمین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ایران را به شما شادباش می‌گویم.
حزب توده ایران، وارث سنت درخشان حزب کمونیست ایران، سالهاست که برهبری کمیته مرکزی خود، در شرایط بسیار دشوار، به پییکار دلاورانه خویش برای دیکراسی و عدالت اقتصادی و بسود زحمتکشان کشورتان ادامه می‌دهد.
حزب شما نقش برجسته در سرنگونی دیکتاتوری بربرستانه شاه بازی کرد. ما بخوبی با جایزیهایی شما در این پییکار دیرینه و قهرمانانه آشنا هستیم و فعالیت صبورانه و دواندیشانه‌تان را می‌ستاییم.
دو حزب ما را مبارزه مشترک علیه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و تلاش تجارزکارتین محافل امپریالیستی برای بازپس بردن چرخ تاریخ در ایران و احیای جنگ سرد بیرون می‌دهد. ما پیروزی شما را در پییکار مقدس و تاریختان خواستاریم و همبستگی برادرانه خویش را با شما برآز میداریم.
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری سوئد
رولف هاگل
صدر کمیته مرکزی

اهالی شهر کتشی میهنی آب و برق ندارند

اهالی شهرک شریعتی شمیران که به سازمان برق منطقه‌ای خواستار دادن آب و برق به این شهرک شدند.
در نامه اهالی این شهرک آمده است: «... ما در شرایط کنونی که می‌باید مردم در حد اقل رفاه و آسایش باشند تحت مشکل‌ترین شرایط زندگی می‌نماییم. در محل سکونت اهالی این منطقه، نه برق است و نه آب لوله‌کشی و وسیله آسایش‌زندی و بهداشت برای خانواده‌ها و فرزندان ما...»
مندرجات این نامه که به‌امضاء ۹۰ خانواده رسیده است توسط کمیته جمهوری اسلامی منطقه ۱۳ نیز، مورد تأیید قرار گرفته است. مسئولین کمیته ۱۳ روی این نامه نوشته‌اند که ساکنان این محل خوششان برق غیر مجاز را قطع کرده‌اند تا بتوانند برق قانونی بگیرند.

این اطلاعیه از جانب هواداران حزب توده ایران در تاجیکستان انتشار یافته است: مردم مبارز تاجیکستان!

همچنانکه اطلاع دارید در راهپیمایی روز جمعه ۱۳ تیرماه که به منظور پشتیبانی از محتوای عمیقاً انقلابی بیانیه اخیر امام خمینی رهبر انقلاب مبنی بر پاکسازی و تصفیه ادارات برگزار شده بود، عده‌ای از عوامل ضدانقلاب به منظور منحرف کردن مبارزه مردم، با یک برنامه از پیش تعیین‌شده به کتابفروشی قنقوس و چند کتابفروشی دیگر حمله نموده و ضمن خرد کردن شیشه‌های کتابفروشی، کلیه کتابها و لوازم موجود در آنها به آتش کشیدند. این اعمال با رهنمودهای امام و دستورالعمل مقامات رسمی کشور کاملاً مغایر بوده و ماهیت ضدانقلابی آن آشکار است. ما هواداران حزب توده ایران در تاجیکستان ضمن محکوم کردن اینگونه اعمال فاشیستی که هدف آن ایجاد جو پر از تشنج و اختناق بوده و در نهایت بسود امپریالیسم سرکروگی آمریکا می‌باشد، از همه مقامات مسئول و نهادهای انقلابی می‌خواهیم که برخوردی مسئولانه به‌این‌گونه مسائل داشته باشند و در مقابل عوامل ضدانقلاب سستی و بی‌تفاوتی نشان ندهند و نگهدارنده عوامل مشکوک یا ضدانقلابی رهنمودهای امام را تحریف کرده و سکوت گزافه و سرپیچی علیه آن توطئه‌چینی کنند.
همشهریان عزیز! انقلاب ما لحظات دشواری را می‌گذراند، ضدانقلاب داخلی از همه‌سو ما را مورد حمله قرار داده و سعی دارد با ایجاد تشنج و درگیری زمینه را برای بهره‌برداری امپریالیسم آماده کند. بر ماست که در چنین شرایط حساس، هشتمیاری فراروان از خود نشان‌دهنده، اتحاد و همبستگی خود را حفظ نموده و جلو توطئه‌های ضدانقلابی را به هر نام و عنوانی که انجام شود بگیریم. هواداران حزب توده ایران در تاجیکستان
۱۵/۴/۵۹

شوخی نیست...

مدارک

کنفرانس سران کشورهای سازمان وحدت آفرینقا مشغول بررسی چنایات رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در تجاوز نظامی به آنکولا بود که پیام عجیبی دریافت کرد. در این پیام ضمن دشنام‌گویی شدید به اتحاد شوروی از کنفرانس خوانسته شده بود که هیچگونه حمایت و همکاری خود را در زمینه مسئله افغانستان بیان کند (از پیام قطب‌زاده به کنفرانس - جمهوری اسلامی ۱۲ تیر) در این پیام ضمن آمده بود در حال حاضر افغان (بخوان «مبارزان» آسیایکایی، چینی، پاکستانی) به تنهایی با رنج و زحمت می‌کوشند و شواهد اتمال قهرمانانه آنها از پیروزی می‌شود (همانجا) - مبارزین بتوانند یکی از این شواهد، عکس مراسم بسیجین دست انورسادات را که توسط رهبران پنج سازمان حزب اسلامی مبارزین انجام گرفت برای کنفرانس ارسال کنند!

«مقاومت» اسلام آمریکایی

یک رهبر مبارزان افغانی دیروز خواستار کمک تسلیحاتی غرب برای نبرد با سازمان شوروی در کشورش شد. گفت «بسیار است نرسیدن چنین کمکی مقاومت اسلامی در برابر مداخله شوروی تضعیف خواهد شد»
(انقلاب اسلامی ۱۱ تیر)
- این اسلام، برخلاف اسلام امام خمینی، مقاومت به تسلیحات امپریالیستی، متکی است!

رادیوی افغانستان آزاد!

سیداحمد گیلانی رهبر «مبارزان» افغانی، داماد ظهیرشاه و نماینده «بزرگی» فرانس در افغانستان که اخیراً دستپوشی سادات رفته بود، در لندن (۱) گفت: «مبارزان برای آگاه ساختن مردم افغانستان (بخوان: «مبارزان» می‌خواهند با پاکستان و چین) و گفتن واقعیت... احتیاج به یک رادیوی افغانستان آزاد دارند!»
(انقلاب اسلامی ۱۱ تیر)
- برزیسکی به کارتر: قربان! بهترین رادیوی افغانستان هم رادیوی می‌خواهد!!

باز هم پاداش برای ساواکها!

«آقای فرید استعدیاری پسرخاله شاه مخلوع و آچودان وی، بعنوان معاون مدیرعامل، و دراصل بعنوان عامل سرکوب و ایجاد کننده خفقان و استبداد مأموران سازمان کثیف امنیت، در این شرکت سالیانه تمادی با دریافت مبلغ گزافه بعنوان حقوق و پاداشهای کلان که حاصل دسترنج کارگران بود کار می‌کرد...» (از نامه ۸۴۲ کارگر میزبان تابر و رابر ایران به مقامات شوروی) (انقلاب اسلامی ۱۱ تیر)
«آقای استعدیاری از کارخانه اخراج می‌شوند. هیئت حل اختلاف وزارت کار که این مجازات را در حق وی روانه‌اندست برای دلجویی و نیز پاداش خدمات! اولیج ۲۷/۹/۶۸ ریال به عنوان خسارت اخراجی وی صادر کرده است.» (همانجا)
- پاداش هست که در خبرها داشتیم جدها سازندگی کرمان، بعلمت نداشتن بودجه در خط تعطیلی است! (جرا ۱۰-۱ تیر)

باز هم «دولت موقت»!

حجت‌الاسلام حسین صفایی رئیس سیاه پاسداران انقلاب اسلامی مشهد و مسئول مبارزه با مواد مخدر این شهر درباره کارآمدن ساواک و ضدانقلابی که به‌تازگی رنگ عوض کرده‌اند و انقلابی شده‌اند چنین گفت:
«باید بگوییم که اینها روزیکه پیروزی برای مردم حاصل شد یعنی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، هیچکدامشان چاقی در ادارات نداشتند. متأسفانه با آمدن دولت موقت لیرال خیلی صدمه باین انقلاب خورد. و این افراد همان دولت شناختنی را قبول دارند و دنباله‌رو همان‌ها هستند...» (آزادگان ۱۲ تیر)
- هنوز هم داریم چوب دولت موقت را می‌خوریم!

اطلاعیه سازمان حزب توده ایران در کرمان

هواداران حزب، که نامه مردم می‌فرستند، خودسرازه دستگیر شده‌اند. آنها را هرچه زودتر آزاد کنید!
انقلاب ایران لحظات حساسی را می‌گذراند. توطئه‌های مداوم امپریالیسم آمریکا، این شیطان بزرگ و عوامل ضدانقلاب داخلی شدت بیشتری می‌یابد. دشمنان انقلاب ایران، در داخل و خارج کشور، سازمان‌های پادشاهی، رادیوها و عوامل ارتش و عسکری و مخفی ضدانقلابی در داخل و خارج کشور، سعی شده‌اند تا انقلاب ایران را در نتیجه راه متوقف کنند.
در مقابل توطئه‌های رنگارنگ نیروهای ضدانقلاب، حزب توده ایران، از انقلاب و مشق قاطع و بی‌پس‌امام خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، برای تأمین استقلال ایران در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و در مبارزه برای خواسته‌های اساسی توده مردم علیه نظام طاغوتی و بهره‌کشی قاطعانه و با سداقت بخودشده انقلابی پشتیبانی کرده و می‌کند.

مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، در سطح استانها و شهرستانها نیز نمی‌توانند حساسیت لحظه فعلی را از نظر دور داشته و با این واقعیت ابتدایی روبرو شوند که حزب توده ایران یک حزب سیاسی قانونی و علنی است و «مردم» از کارکنان حزب با داشتن امتیاز رسمی منتشر می‌شود و نقش مثبت و مهمی را در نبرد ضد امپریالیستی و ضد طاغوتی، در تحکیم جمهوری اسلامی ایران و دفاع از انقلاب ایفا می‌کند.
متأسفانه صبر روزشبه ۱۴ تیرماه ۷ نفر از هواداران حزب توده ایران، که در حال فروشی نامه «مردم» بودند، بدون هیچ دلیل و مجوز قانونی توسط کمیته پاسداران کرمان دستگیر و زندان اعزام شدند. سازمان حزب توده ایران (کرمان) ضمن محکوم کردن این عمل خودسرانه و غیرقانونی، از مقامات مسئول کمیته پاسداران دادگاه انقلاب کرمان می‌خواهد به رسالت بزرگ این نهاد انقلابی کشور عمل کرده و هر چه زودتر نسبت به آزاد کردن رفقای دستگیر شده اقدام نموده و اجازه ندهد شهر کرمان جولانگاه افراد بی‌مسئولیت شود.

سازمان حزب توده ایران - کرمان
۱۳ تیر ۱۳۵۹

در جلسه علنی دیروز مجلس:

اعتبار نامه نماینده میانه به علت رابطه با ساواک و عضویت حزب خلق مسلمان رد شد

نمایندگان خواستار خلع لباس و تحویل این فرد به دادگاه انقلاب شدند.
یکی از نمایندگان گفت: چرا وزارت کشور از همان ابتدا سوابق اینگونه افراد را روشن نکرد؟

در جلسه علنی دیروز مجلس که ساعت ۹ صبح با حدود نیم‌ساعت تأخیر رسمیت یافت، اعتبارنامه نماینده میانه، آقای جواهری به اتهام رابطه با ساواک منحل و عضویت در حزب آفریکایی خلق مسلمان رد شد.
در ابتدای جلسه دیروز پس از توضیحات پیش از دستور چند نماینده، محیر کسبیبون تحقیق، اعتبارنامه آقای محمدتقی مطهری را مطرح کرد و متذکر شد که پرونده وی در کمیسیون تحقیق با اکثریت آرا رد شده است. وی افزود: چون پرونده وی برای نمایندگان مجلس به حد کافی روشن نبوده بنا به پیشنهاد یکی از نمایندگان قرار شد بررسی اعتبارنامه انتخاباتی وی به جلسه آینده مرکول شود.

سپس دکتر یزهی پرونده انتخاباتی و اعتبارنامه آقای اسدالله جواهری نماینده میانه را مطرح کرد. وی در توضیحات خویش پیرامون این پرونده گفت: «کمیسیون تحقیق پس از شنیدن شهادت شهرد و نیز استماع دفاعیات آقای جواهری در دلائل زیر پرونده وی را با طاق آرا رد کرد:
۱- عکسهای متعدد با شاه مخلوع و ایادی رژیم و سران ساراک. تاریخ آخرین عکس وی با شاه بخار ۱۳۵۶ است.
۲- اجزای سخنرانی در رادیو و تلویزیون اروپا و مساجد در زمان طاغوت که بنا به گزارش ساواک اروپا و گفته سایر یاران جواد ساواک، وی در سخنرانیهای مردم را به «بهرین برستی» تحریک کرده و اعمال آن دسته از جوانان را که افکار ضد ملی و کمونیستی دارند مورد انتقاد شدید قرار داده است. ۳- طبق اسناد موجود در ساواک وی رابطه نزدیکی با ساواک داشته و مورد قبول این دستگاه بوده است. وی بارها همراه کاروان حج به مکه اعزام شد.
۴- پس از پیروزی انقلاب بعنوان یکی از بنیانگذاران حزب جمهوری خلق مسلمان با این حزب همکاری داشته است.

پس از توضیحات دکتر یزهی، آقای «حجیبی» بعنوان مخالف سخن گفت: وی در قسمتی از سخنانش ضمن اشاره به فعالیتها ضد انقلابی جواهری گفت: «حزب جمهوری خلق مسلمان - خواست محافظه‌کار که مقدم بر افغانی را در مجلس خبرگان داشت، این آقا را هم در مجلس شورای اسلامی داشته باشد. برای همین وی را به میانه فرستاد و مرتب توصیه‌نامه از طرف هواداران حزب به نفع ایشان داده می‌شد...»

وی سپس اسنادی را که بیانگر رابطه نزدیک وی با ساواک بود برای نمایندگان قرائت کرد و در پایان سخنانش گفت: «شورای روحانیت اروپا هم نوشته است اسدالله جواهری از طرفداران خلق مسلمان بوده و پیروی از خط امام نمیکرده است. مجلس باید ایشان را از لباس روحانیت خلع کند.»

های‌غزازی نیز در مخالفت با اعتبارنامه جواهری سخن گفت. آنگاه نوبت به باباغزری، مخالف دیگر رسید. وی گفت: «این افراد باید به دادرس انقلاب تسلیم شوند، مطمئن باشید که امتثال اینها تاکنون با لطائف‌الجلیل از چنگ قانون فرار کرده‌اند.»

مردم چشمانتان را که ببینند با این آدمها چگونه رفتار میشود.

من تقاضا میکنم پس از رای‌گیری وی را خلع لباس کنید و تحویل دادگاه انقلاب دهید.
رضوی مخالف بعدی اعتبارنامه وی نیز، از جمله گفت: «به چه علت روحانی نمایانی که با حزب خلق مسلمان بودند محاکمه و محکوم بشوند ولی ایشان اکنون اینجا نشسته باشند! باید دادگاه انقلاب به کارهای وی رسیدگی دقیق کند...» وی در گوشه‌های دیگر از سخنانش با اشاره به کندکاری وزارت کشور در افضای این قبیل افراد چنین گفت: «چرا از همان اول وزارت کشور و مقامات سوابق این افراد را روشن نکردند که سرمد بداند به چه کسی رای میدهند، تا بحال چند نمونه دیده شده که سابقه فساد این افراد در مجلس روشن شده است. چرا نباید اینطور باشد...»

سپس اسدالله جواهری برای دفاع از خود پشت تریبون رفت. قسمتی از دفاعیات او را نقل میکنیم تا ببینید اینگونه افراد با چه گستاخی از روش خود دفاع میکنند و به نهادهای انقلابی حمله میکنند. او گفت: «بر علیه من در آنجا تبلیغات زیادی شد که من مزدور و عامل ساواک هستم. حتی مطلبی از آقای خلخالی به آنجا رسید که جواهری عضو حزب رستاخیز است و قیافه خود را بزرگ کرده و وارد مکر شده است. به روحانی نمایانی مانند جواهری رای ندهید... شما چرا به مدارک خود ساواک که در آن از من تقدیر شده اشاره نمی‌کنید... مگر غیر از سیاه پاسداران انقلاب که علیه من شکایت کرده مدارک دیگری هم دارید! تکلیف سیاه پاسداران هم که روشن است که چه موضعیگیری دارند!...»

بعد از پایان «دفاعیات» وی رای‌گیری بعمل آمد و طبق نتیجه رای‌گیری اعتبارنامه وی با ۱۴۷ رای مخالف در مقابل ۷ رای موافق و ۴۱ ممتنع رد شد.
در پایان جلسه، منشی جلسه گفت: پیشنهادهایی از طرف نمایندگان مبنی بر خلع لباس و تحویل وی به دادگاه انقلاب به هیئت رئیسه مجلس رسیده است که خواستار پی‌گیری در این مورد شده‌اند.
جلسه مجلس ساعت ۱۲ ظهر به پایان رسید.

در حاشیه مجلس

- در رای‌گیری دیروز مجلس روشن شد که ۷ تن از نمایندگان موافق حضور يك نماینده ساواکی در مجلس بودند. طبق نتیجه‌گیری ۴۱ نفر نیز در مورد این مسئله نظری نداشتند.
- تماشایان دیروز حضور چشمگیری در مجلس داشتند و هنگامیکه یکی از نمایندگان خواستار خلع لباس و تحویل نماینده میانه به دادگاه انقلاب شد، سوار تکیه فرستادند. دکتر سحابی پس از این عمل تماشایان را تحقیر خاطر کردند که نباید هیچگونه بیان و عکس‌العملی در جریان جلسات مجلس داشته باشند.

از گسترش فعالیت‌های ضد انقلاب در کرمان جلوگیری کنید

کشتن تهدید کرد. رفقای ما خصوصاً به کمیته مراجعه کردند و درخواست کردند که مانع اینگونه اعمال ضد انقلابی شوند. اما متأسفانه کمیته بجای پاسخ به درخواست قانونی، آنها را بازداشت کرد. رفقای دستگیر شده، فردای آنروز آزاد شدند، ولی جای تأسف است که مقامات مسئول شهر، مسئولیت قانونی و انقلابی خویش را فراموش می‌کنند و به‌عمل ضد انقلاب اجازه فعالیت علنی (۱) در جهت سلب آزادی از فعالیت‌گروهها و دستجات و احزاب سیاسی مدافع انقلاب را میدهند!
ما بار دیگر توجه مقامات اجرائی شهر بخصوص کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب را بر مسئولیت خطیری که در دفاع از دستاوردهای انقلاب و تأمین نظرومنعت در محیط شهرداری، با آرد می‌شویم و از آنان می‌خواهیم که در مقابل با ضد انقلاب با قاطعیت عمل کنند و عوامل بوجود آورنده آشوب و درگیری را در هر لباسی که باشند و بهره‌برانه‌ای که عمل کنند دستگیر و به مجازات قانونی برسانند. بویژه که هواداران حزب ما که سرگرم فروش نامه «مردم» بودند بطور کامل غیرقانونی دستگیر شده‌اند. در این باره سازمان حزبی ما در کرمان اطلاع‌های منتشر ساخته است.

قابل توجه دادستان انقلاب چالوس

«دادستان انقلاب چالوس روزنامه «نامه مردم» را به رسمیت نمی‌شناسد و از ورود خبرنگاران آن به جلسات دادگاه‌های علنی جلوگیری می‌کند.
از ورود یکی از خبرنگاران «نامه مردم» در چالوس به جلسه علنی دادگاه کسانی که در درگیریهای ۱۷ خرداد نوشین شرکت داشتند جلوگیری شده است. وی در این مورد می‌نویسد:
برای کسب خبر و درج آن در روزنامه خواستم در این جلسه شرکت کنم. از آنجا که این دادگاه علنی بود به هر کدام از تماشاچیان یک برگ داده می‌شد. وقتی برای گرفتن برگ، اجازه کردم مأمور این کار نبود، لذا از یکی از مأمورین دیگر خواستم که با کارت خبرنگاری به من اجازه ورود بدهد. او مخالفت کرد. من به دادستان انقلاب چالوس مراجعه کردم. دادستان انقلاب در جواب گفت: اگر خبر بدون اجازه دادگاه تهیه کنی شما را بازداشت می‌کنم. زیرا روزنامه «مردم» از نظر دادستانی کل انقلاب به رسمیت شناخته نشده است و تا دستور ندهند ما به شما اجازه نمی‌دهیم از دادگاه علنی خبر تهیه کنی. اگر هم تهیه کنی بازداشت می‌شوی.»

ظاهراً اخبار پایتخت بسیار دور بدست دادستان انقلاب چالوس می‌رسد! بررچیت محض اطلاع دادستان انقلاب چالوس اسلام می‌کنیم که روزنامه «نامه مردم» دارای امتیاز قانونی است و به صورت آزاده نشر، چاپ و پخش می‌گردد. امیدواریم این توضیح برای سایر مسئولین هم کافی باشد.

نامه مردم
از کان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذرشماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹

شاره تلکی،
214081 TPI IR
چاپ، کراپان

MARDOM
No. 276
7 July 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM.
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 330 L.
USA 20 Cts.
Sweden 1.50 Skr.